

هر کجا باشید او با شماست

سرشناسه: اسمعیلی، حامد، ۱۳۶۵- | عنوان و نام پدیدآور: تورم به زبان ساده |
حامد اسماعیلی.؛ ویراستار سمانه سادات خاتمی | مشخصات نشر: ساری: ماتيسا، ۱۴۰۲ |
مشخصات ظاهری: ۱۱۶ص. : نمودار | شابک: ۵-۸-۹۲۸۰۴-۹۲۲-۶۷۸-۹۷۸ |
وضعیت فهرست نویسی: فیبا | یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۶-۱۱۸ | موضوع: تورم، تورم - ایران
| رده بندی کنگره: ۲۲۹HG | رده بندی دیویی: ۳۲۲/۴۱ | شماره کتابشناسی: ۹۲۵۶۷۴۷ |

تورم به زبان ساده

حامد اسمعیلی

چاپ نخست - ۱۴۰۲ - ۱۰۰۰ نسخه

ویراستار: سمانه سادات خاتمی کاوردی

طراح جلد و صفحه آراء: سمیه سادات خاتمی

انتشارات ماتيسا

مازندران - ساری. تلفن: ۰۹۱۱۳۵۴۱۳۲۱

Email: nashr.matisa@gmail.com

تورم به زبان ساده

حامد اسمعیلی

انتشارات ماتیس



تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم، همسر فداکارم و فرزندان نازنینم
و مجمع نخبگان دانشگاهی، حوزوی استان مازندران

تقدیم به:

موقوفه مُلک آرا، خیر نیک اندیش و عالم پرور جناب آقای
عبدالحمید داراب با مساعی سرکار خانم مهشید داراب

فهرست مطالب

فصل اول

- ۱۱..... تورم به زبان ساده.....
- ۱۴..... تورم در خانواده خوب است یا مانع پیشرفت؟.....
- ۱۶..... تعریف تورم در علم اقتصاد چیست و در ایران چگونه اندازه گیری می شود؟.....
- ۱۸..... تعریف لایحه بودجه چیست؟.....
- ۲۰..... تعریف تفریق بودجه چیست؟.....
- ۲۲..... اهداف تفریق بودجه.....
- ۲۵..... کنترل تورم.....
- ۲۷..... الویت بندی چگونه موجب کاهش تورم می شود؟.....
- ۳۱..... دولت ها چگونه با دور زدن لایحه بودجه موجب افزایش تورم می شوند؟.....
- ۳۱..... صرفه جویی و افزایش بهره‌وری در هزینه کردها با توسعه دولت الکترونیک.....

فصل دوم

- ۳۴..... تعریف و اهداف خصوصی سازی.....

- تجربه خصوصی سازی در کشورهای مختلف ۳۶
- تجربه‌ی خصوصی سازی در ایران ۴۰
- پیش نیازهای خصوصی سازی در ایران ۴۳
- علل ناکامی خصوصی سازی در ایران ۴۴

فصل سوم

- تقویت روش های اخذ مالیات های و جلوگیری از فرار مالیاتی ۴۹
- فرار مالیاتی چیست و چگونه ایجاد می شود؟ ۵۱
- فرق بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی ۵۲
- پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی ۵۴
- عدم آگاهی و به روز نبودن اطلاعات مدیران ارشد مالیاتی ۵۴
- عدم توجه به منابع انسانی کارآمد ۵۵
- عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه ۵۵
- عدم وجود پاداش و تنبیه متناسب با عملکرد مؤدیان ۵۶
- عدم رعایت اصول تعیین مالیات ۵۷
- عدم وجود سیستم های اطلاعاتی از وضعیت اقتصادی روز جامعه ۵۷
- تدوین قوانین سهل و قابل فهم برای مؤدیان ۵۸
- استفاده از مدیران اقتصادی جامعه ۶۱
- گسترش فرهنگ مالیاتی در بین مردم ۶۲
- تدوین تشویقات و جرائم متناسب با عملکرد مؤدیان ۶۴
- آموزش کارکنان سازمان امور مالیاتی ۶۴
- استقرار نظام تشویقی برای پیشگامان نظام جدید ۶۸
- ساده نمودن روش های اخذ مالیات و حذف روش های زائد ۶۸

- کاهش زمان و هزینه وصول مالیات از مرحله تشخیص..... ۶۹
- شیوه‌های آسان..... ۷۲
- پرداخت‌های دیجیتال..... ۷۳
- منابع جدید درآمد پیدا کنید..... ۷۳
- اخذ مالیات بر فعالیت‌های غیرتولیدی..... ۷۴

فصل چهارم

- افزایش تولید..... ۷۹
- افزایش حجم مبادلات تجاری با تسهیل مسیرهای تجاری با ۱۵ کشور همسایه... ۸۱
- حذف یارانه کالاها..... ۸۵
- افزایش دستمزدها..... ۸۸
- کنترل واردات..... ۹۳
- توقف چاپ پول بدون پشتوانه..... ۹۵
- افزایش منابع درآمدی به دولت غیر از منابع درآمد نفت..... ۹۸
- صادرات محصولات کشاورزی..... ۹۹
- سهم ایران از بازار اورآسیا کمتر از نیم درصد..... ۹۹
- زراعت چوب..... ۱۰۰
- محصولات گلخانه‌ای هیدروپونیک..... ۱۰۱
- معادن..... ۱۰۲

فصل پنجم

- بررسی کنترل تورم در کشورها..... ۱۰۷
- ضمیمه..... ۱۱۱
- منابع..... ۱۱۵

مقدمه

خدا رو شکر که توانستم در اقدامی کوچک با موضوع شعار سال ۱۴۰۲ که مطالبات و راهبردهای امام خامنه‌ای مدظله‌العالی بوده است این واژه چهار حرفی اما موثرترین عنصر اقتصاد یعنی تورم را به زبان ساده بررسی کنم تا شهروندان ایران اسلامی بخوانند و بدانند، این غولی که همه را می‌ترساند، تورم برای ادامه حیات رو به پیشرفت نیاز است و باید با اقدامات هوشمندانه کنترل شود و راه درمان آن هم راحت‌تر از ترس‌هایست که برایمان ایجاد کرده‌اند، در روند کتاب پیشنهادات درمان بیان می‌شود که امید دارم آنهایی که مسئولند بخوانند و عمل نمایند و که یقیناً برای التیام آبر تورم مفید واقع خواهد بود (کاهش قیمت بنزین و افزایش دو برابری درآمد دولت از محل فروش بنزین برای کنترل تورم با رضایت مردمی و عملکرد دولت‌ها در جدولی که اولین بار منتشر شده مورد بررسی قرار گرفته است)، این متن را نوشتم تا در حافظه تاریخی مردم کشور عزیزم ایران ماندگار شود، درمان دردی که گفته می‌شود را می‌توان با اطمینان به فکر جوانان انقلاب اسلامی سپرد و در گام دوم انقلاب اسلامی وقت آن رسیده از رویش‌های انقلاب در کنار ریشه‌های

انقلاب بهره برد، برای ساخت ایران قوی باید نه شهر خلاق بلکه کشور خلاق و انقلاب خلاقیت راه انداخت، از تبلیغات رسانه‌ای فاصله گرفت و جوانان را وارد میدان کرد اولین تورم رکودی حاکم بر کشور استفاده نکردن از فکر جوان است اگر می‌خواهیم در میدان نبرد اقتصادی پیروز شویم باید از سربازان تازه نفس انقلاب اسلامی بهره برد که درد و درمان با آنها بزرگ شده و با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اند، امروز تنها عاملی که می‌تواند نجات دهنده کشور باشد یکرنگی و صداقت مسئولین با مردم و تدوین برنامه بر پایه داده‌های صحیح با اقدام کنندگان تازه نفس کار آزموده است، پذیرش اشتباهات و تصحیح مسیر اقدام و عمل یک رفتار مدیریتی عقلانی است، امروز کمی هم مانند اوایل انقلاب جهادی فکر کنیم و به جوانان با تجربه و ماهر و دوران دیده اطمینان کنیم البته خط مشی امامین انقلاب اسلامی همین بوده و هست اما اقدام دولت‌ها قابل دفاع نیست.

به امید خدا در تاریخ به‌عنوان امتی که دستور امامشان را در حد توان اجرا کرده‌اند نام همه ما ثبت شود و در دوران ظهور بگوئیم خواستیم، اقدام کردیم و نتیجه را به خداوند واگذار کردیم.

تورم به زبان ساده

فرض کنید وسعت یک کشور، همان محیط خانه ما هست و اعضای خانواده که مصرف کننده هستند، همان شهروندان یک کشور، پدر خانواده به علت تأمین منابع مالی هزینه‌های زندگی به عنوان قوه مجریه (دولت یا حاکمیت) است و شغل پدر که موجب کسب درآمد است به عنوان درآمدهای جاری یک کشور اعم از (چاه نفت، معادن، مالیات و...) می‌باشد.

حال باید بررسی نماییم تورم در خانواده چیست و چگونه در خانواده ایجاد می‌شود؟

با توجه به درآمد ثابت پدر خانواده و هزینه جاری زندگی تا هر زمان که او بتواند هزینه نیازهای خانواده را تأمین نمایند، زندگی بر مدار درستش می‌چرخد. هزینه‌های جاری خانواده یعنی هزینه‌های زیستن با توجه به

شرایط و عرف آن روزگار است که معمولاً بر دایره **(خوراک، پوشاک، مسکن و رفاهیات)** است.

به فرض مثال اگر اجاره منزل خانوار افزایش پیدا کند و درآمد ثابت بماند یا بسیار محدود افزایش داشته باشد، پدر مجبور است درآمد خود را برای هزینه‌های جاری مدیریت کند و برای موارد مهم‌تر اولویت‌بندی و تخصیص اعتبار بیشتری قائل شود.

پس اولویت هزینه جاری زندگی می‌شود **(مسکن، خوراک، پوشاک و رفاهیات)** در این صورت غذای بیرون منزل، فست‌فودها یا خریدها کم می‌شود و برای مثال مداد رنگی ۱۲ رنگ به شش رنگ تقلیل پیدا می‌کند.

حال در چنین شرایطی یکی از فرزندان که در درس خواندن هم زحمات زیادی کشیده، در امتحانات دانشگاه قبول می‌شود و باید بابت تحصیلات دانشگاهی به استان دیگر مراجعه کند. اگر تحصیلات را در دسته رفاهیات طبقه‌بندی نماییم، پدر باید در اولویت‌بندی جدید خود تجدیدنظر انجام دهد که نتیجه اولویت می‌شود **(مسکن، رفاهیات، خوراک، پوشاک)** در این حالت کم‌ترین اولویت بر روی پوشاک است و همین دلیل موجب می‌شود لباس والدین معمولاً از فرزندان قدیمی‌تر باشد، ولی هنوز فرزندان احساسی نسبت به فشار اقتصادی بر والدین ندارند.

در این بین برای دختر خانواده که بسیار با کمالات هم هست، خواستگار می‌آید که پدر به واسطه اینکه شرمنده فرزندش نشود برای تأمین مخارج

نیاز دارد که درآمد بیشتری داشته باشد؛ پس مجبور است اضافه کار انجام دهد که موجب می شود فشاری بر پیکرش وارد گردد و دیگر ناهار و شام را با خانواده نیست و خود را همچنان بدهکار می بیند که بعد از ساعات اضافه کاری مجبور است با خودرو در تاکسی اینترنتی مشغول شود تا هزینه های ازدواج را فراهم نماید. در ادامه خودرویش به جهت اصطحلاک دچار نقص فنی می شود که باید برای تامین نیازمندی های جاری زندگی تعمیر شود، کم کم پدر نمی داند که چطور از نظر اقتصادی اولویت بندی نماید.

همین سردرگمی موجب می شود که پدر خانواده دچار امراضی شود و دیگر توان اضافه کاری نخواهد داشت و ممکن است خودرو با قرض یا وام تعمیر شده باشد؛ ولی پدر رمقی برای کار نداشته و خانواده دچار بهم ریختگی می شود و این ایده آل ترین نوع زندگی در تورم است. همچنین باید بدانیم ممکن است اتفاقات طبیعی و بشری از جمله سیل، زلزله، مرگ و میر، طلاق، تصادفات و... در مسیر باشد.

تورم در خانواده خوب است یا مانع پیشرفت؟

تغییر اولویت‌ها در زندگی همه مردم دنیا تا آنجایی که قدرت اولویت‌بندی را داشته باشند، طبیعی و حتی برای پیشرفت‌های بعدی موثر است مثل تحصیل فرزند، ازدواج فرزند و... این گونه اتفاقات را تلاطم خوش‌زندگی معنا می‌کنیم و برای ارتقا، باید تلاش‌ها و مدیریت خود را نشان دهیم که به این تلاطم‌ها در اقتصاد «تورم» گفته می‌شود.

اما در مرحله‌ای که پدر به جهت عدم تامین مالی و وجود تعهدات هزینه، نتواند مخارج خانوار را اولویت‌بندی کند و خانواده به دلیل کسری بودجه در لبه فروپاشی قرار می‌گیرد؛ درحالی که نمی‌تواند منابع را افزایش دهد، تلاطم‌ها هم بیشتر می‌شود (تورم در حالت رکود) و در ادامه این موضوع، آبروتورم بر زندگی حاکم خواهد شد و اعضای خانواده را وادار به رفتار غیرمعقولانه و مشاغل کاذب می‌نماید که حیات خانواده نیازمند کمک‌های ویژه خارج از خانوار مثل بلاعوض‌ها، وام‌ها و... می‌شود که در خوش‌شانس‌ترین حالت به علل فشارهای روانی بیش از حد، دچار بزه و مشقات کیفی و جرایم نشده باشند که سایه این تورم تبدیل به طوفان نشود.

برای حیات این خانوار دچار تورم چه راهکارهایی را می‌توان در پیش گرفت:

۱- مادر خانواده هدایایی که به‌عنوان طلا از روز ازدواج گرفته است، برای رفع یکی یا تعدادی از مشکلات پیش آمده می‌فروشد که میزانی موردی زخم‌ها التیام پیدا می‌کند و میزان اندکی زمان می‌خرد ولی فروش طلا، پشتوانه حداقلی خانوار را نابود می‌کند و غصه‌ای دیگر برایشان با دغدغه آینده احتمالی پیش خواهد آمد.

۲- اعضای خانواده تصمیم به ترک خواسته‌های خود می‌گیرند (تحصیل، ازدواج، فرزندآوری و...) که آینده تک‌تک اعضا به خطر خواهد افتاد و خود فشاری مضاعف بر خانواده است.

۳- تصمیم به مدیریت دقیق‌تر منابع می‌گیرند که با تحمل مشقات حداقل شاکله خانوار به سختی برقرار می‌ماند.

۴- منابع مالی جدیدی (ارث، دیه، اشتغال به کار و...) ممکن است توسط اعضای خانواده فراهم شود و خانوار را از فشارهای اندکی تا عادی شدن اوضاع حیات حمایت نماید، به آن امید که پدر همچنان در قید حیات و مادر توان اداره زندگی را داشته باشد؛ در غیر این صورت اعضای خانواده با وسواس بیشتر و آینده‌نگری ویژه‌ای بدون در نظر گرفتن احوال شهروندان دیگر به جمع‌آوری اموال اقدام خواهند کرد.

تعریف تورم در علم اقتصاد چیست و در ایران چگونه اندازه گیری می شود؟

به تغییر قیمت‌های کالای شاخص در یک بازه زمانی «تورم» گفته می‌شود.

تورم

از نظر علم اقتصاد اشاره به افزایش پیوسته سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی یا قیمت است. تورم عموماً به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می‌شود و روند مستمر فزاینده و نامنظم افزایش قیمت‌ها در اقتصاد است.

رکود تورمی یا ایستایی تورمی

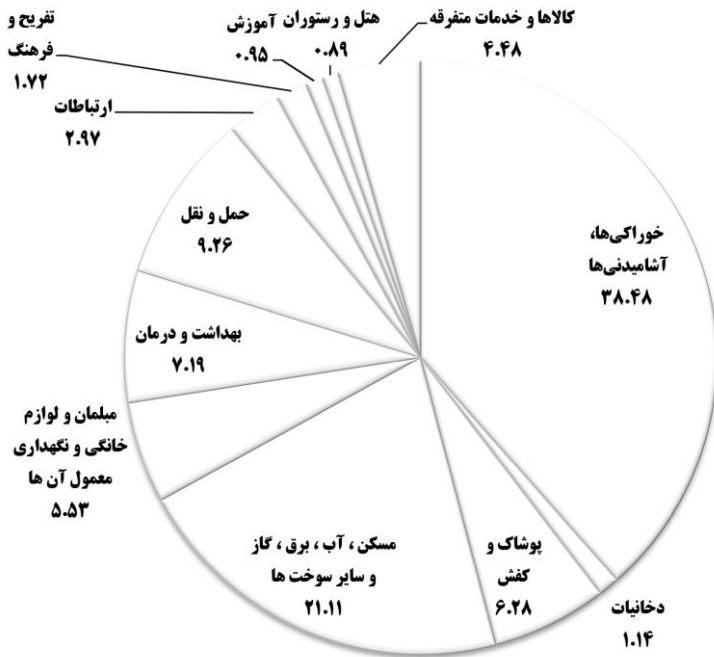
به وجود هم‌زمان تورم و رکود اقتصادی گفته می‌شود. رکود در تعریف اقتصادی به رشد منفی دو دوره سه‌ماهه پیاپی در اقتصاد یک کشور اطلاق می‌شود. «دوره‌ای که کاهش معنی‌دار در چهار عامل **تولید، درآمد، اشتغال و تجارت** ایجاد شود».

این دوره معمولاً حداقل بین ۶ ماه تا یک سال است. به این ترتیب می‌توان گفت رکود بر این اساس به معنای کاهش بودن رشد تولید ناخالص داخلی واقعی است.

تورم **توسط بانک مرکزی** با تعیین ضریب اهمیت و تعدادی اقلام مورد قیمت‌گیری در سراسر کشور و در هر ماه، برای تعیین شاخص تورم در ۱۲ سبد با ضریب اهمیت به شرح زیر مشخص شده است:

رتبه	سبد کالایی شاخص	ضریب اهمیت (به درصد)
۱	خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها	۴۸.۳۸
۲	دخانیات	۱۴.۱
۳	پوشاک و کفش	۲۸.۶
۴	مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها	۱۱.۲۱
۵	مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها	۵۳.۵
۶	بهداشت و درمان	۱۹.۷
۷	حمل و نقل	۲۶.۹
۸	ارتباطات	۹۷.۲
۹	تفریح و فرهنگ	۷۲.۱
۱۰	آموزش	۹۵.۰
۱۱	هتل و رستوران	۸۹.۰
۱۲	کالاها و خدمات متفرقه	۴۸.۴
	جمع	۱۰۰

ضریب وزنی خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و مسکن و انرژی در سبد خانوار از بیشترین اهمیت، و آموزش و هتل و رستوران از کمترین ضریب اهمیت برخوردارند.



تعریف لایحه بودجه چیست؟

به برنامه و پروژه‌هایی که برای قانونی شدن نیاز به تصویب نهایی نمایندگان مجلس شورای اسلامی دارد و از این رو توسط دولت به مجلس ارائه می‌شود، «لایحه» می‌گویند. به برنامه‌ریزی مالی و یک فهرست از تمام هزینه‌های برنامه‌ریزی شده و درآمد در یک بازه زمانی مشخص نیز «بودجه» گفته می‌شود.

بر همین اساس منظور از لایحه بودجه، برنامه‌ریزی یک ساله مالی و یک فهرست از تمامی هزینه‌ها و درآمدهای دولت است که همه ساله و در

آذر یا دی ماه برای سال آینده تهیه می‌شود و از سوی رئیس جمهور به نمایندگان مجلس ارائه می‌گردد. بودجه کل کشور برای یک سال مالی توسط سازمان برنامه و بودجه تدوین می‌شود. لایحه بودجه پس از تصویب در هیئت وزیران، به مجلس ارائه و پس از تصویب و تأیید شورای نگهبان از مجلس به رئیس جمهور ابلاغ می‌گردد.

لایحه بودجه دارای سه پیوست از جمله اعتبار طرح‌های زیر است:

- ۱- تملک دارایی‌های سرمایه‌ای.
- ۲- درآمدها و واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی.
- ۳- بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و اعتبارات هزینه‌ای دستگاه‌های اجرایی برحسب برنامه.

مسئول تهیه لایحه بودجه سازمان برنامه و بودجه کشور است. نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای بررسی لایحه بودجه ابتدا آن را در کمیسیون‌های تخصصی به مدت دو هفته، بررسی و سپس به تشکیل کمیسیون تلفیق متشکل از نمایندگانی از کمیسیون‌های مختلف اقدام می‌کنند و در یک بازه زمانی دو هفته‌ای دوباره لایحه را به صورت دقیق مورد بررسی قرار می‌دهند. پس از این بررسی‌ها لایحه بودجه به صحن علنی آورده می‌شود و در یک بازه زمانی دو هفته‌ای، بررسی و تصویب نهایی آن در دستور کار قرار می‌گیرد.

تعریف تفریق بودجه چیست؟

تفریق از نظر لغوی یعنی فارغ ساختن، و تفریق بودجه در اصطلاح اقتصادی، یعنی فراغت از بودجه یا نتیجه اجرای بودجه است. مسئولیت تفریق بودجه نیز برعهده «دیوان محاسبات کشور» است که هر ساله با استناد به گزارش‌های واصله از سوی سازمان‌های مختلف جهت ارائه گزارشی مفصل تدوین، منتشر و در اختیار عموم قرار می‌گیرد. موعد قانونی انتشار این گزارش نیز در دی ماه هر سال است.

بنابر اطلاعات به‌دست آمده از وب‌سایت دیوان محاسبات کشور نیز تفریق بودجه به معنای بررسی حساب‌ها و اسناد مربوط به دستگاه‌های دولتی و انطباق آن با نحوه و میزان هزینه سازمان‌ها، پروژه‌ها و پیشرفت آنها بر اساس لایحه بودجه است.

تفریق بودجه، از دید دیوان نتیجه نهایی نظارت بعد از خرج است که یک نوع حسابرسی کلی عملیات مالی دولت محسوب می‌شود. می‌توان گفت تفریق بودجه به فرآیند تسویه بودجه از طریق تطبیق اطلاعات صورت حساب عملکرد تهیه شده توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی است که با اطلاعات تهیه شده توسط دیوان محاسبات کشور و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از آن به‌دست می‌آید. بنابراین تعریف، گزارش تفریق بودجه به‌صورت عملیاتی به معنای گزارش یافته‌های ناشی از فرآیند تسویه بودجه و نظرات دیوان محاسبات کشور درخصوص اجرای بودجه است.

دیوان محاسبات یکی از سازمان‌های مهم زیرمجموعه قوه مقننه است. در واقع مجلس شورای اسلامی برای تأمین نیازهای مردم به عنوان وکیل آنها به دولت مأموریت می‌دهد قانون بودجه کل کشور را مطابق با مقررات مربوط اجرا کند. مطابق با اصل ۵۵ قانون اساسی دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوط را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تحویل می‌دهد.

مأموران دیوان هم باید گزارش کار خود را تحت عنوان «صورت‌حساب عملکرد بودجه سالانه کشور» که همان عملکرد مالی دولت است، به نهاد بالادستی خود و هیات وزیران ارسال کرده و دیوان محاسبات نیز به عنوان عامل کنترل‌کننده زیر نظر مجلس شورای اسلامی، گزارش تفریغ بودجه را به همراه نظرات کارشناسی خود به مجلس تقدیم نماید. تا پیش از انقلاب و تصویب قانون اساسی، تفریغ بودجه در قانون اساسی جایگاهی نداشت و متولی تفریغ بودجه هم تنها وزارت دارایی بود که هر سال مالی را تا پایان آذر ماه سال بعد، تهیه و به دیوان ارسال می‌کرد. دیوان نیز مکلف بود ظرف سه ماه لایحه مزبور را رسیدگی کرده و عین لایحه را همراه نظرات خود به دارایی برگرداند تا وزارت مزبور ظرف یک ماه، لایحه تفریغ بودجه را به مجلس شورای ملی تقدیم کند. پس از آن و محاسبات یک دوره مالی تسویه و تفریغ می‌شد. اولین لایحه تفریغ بودجه تا پیش از انقلاب در سال ۱۳۳۶ و آخرین آن هم مربوط به سال ۱۳۵۲ است.

قانون تفریغ بودجه، پس از انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ تیر ماه سال ۱۳۶۵ و آیین‌نامه اجرایی آن در تاریخ ۱۳ اردیبهشت سال ۱۳۶۶ تصویب شد. قبل از تصویب، مقرر شد دولت و دیوان محاسبات برای بروز کردن گزارش تفریغ بودجه از سال ۱۳۶۱ به بعد با هر تعداد دستگاه‌هایی که حساب نهایی و صورت‌های مالی خود را تنظیم کرده‌اند، صورت‌حساب عملکرد سالانه و گزارش تفریغ بودجه را تهیه نمایند.

اهداف تفریغ بودجه

تعریف تفریغ بودجه و عملکرد و کارایی آن به اندازه‌ای است که نیازی به ارائه اهداف آن نیست، با این وجود برای تفریغ بودجه مواردی نظیر:

- ۱- کنترل دقیق اعتبارات اعطائی به دستگاه‌های اجرائی نسبت به هزینه‌های انجام شده مورد بررسی است.
- ۲- دریافت مفاصاحساب از مجلس توسط دولت برای سال بودجه مورد عمل.
- ۳- استفاده در برنامه‌ریزی‌های آینده.
- ۴- شناخت کامل نسبت به دستگاه بودجه‌ای و مدیریت دستگاه‌ها و در صورت لزوم جابه‌جایی عمده و اساسی در اعتبارات امور، فصل و برنامه.
- ۵- شناخت کارآیی دستگاه‌ها در رابطه با عملیات اجرائی و مقایسه آن با اعتبارات مصرف شده.
- ۶- نطباق و مقایسه هزینه‌ها و درآمدها با سیاست‌ها و اهداف پیش‌بینی شده در کشور.

- ۷- شناخت کامل مدیریت‌ها در دستگاه‌های اجرایی، کمبودها و یافتن لزوم جابجائی و چگونگی ارائه خدمات توسط دستگاه‌ها.
- ۸- شناسائی نقاط ضعف و قدرت مجریان امور.
- ۹- شناختن تداخل وظایف دستگاه‌هایی که کارهای مشابهی را انجام می‌دهند و انعکاس آن به مراجع ذیربط جهت تصمیم‌گیری و تحویل کار به افراد متخصص و کاردان.

ساختار گزارش تفریغ بودجه

گزارش تفریغ بودجه کل کشور، معمولاً در چندین جلد تهیه شده و شامل قسمت‌های:

- ۱) گزارش تفریغ تبصره‌های قانون بودجه کل کشور.
- ۲) گزارش تفریغ قسمت‌های مختلف قانون بودجه.
- ۳) گزارش تفریغ بودجه دستگاهی به تفکیک سازمان‌های اصلی و دستگاه‌های تابعه و وزارتخانه‌هاست.

در گزارش تفریغ بودجه دستگاهی، عملکرد دستگاه‌های اجرایی استفاده‌کننده از بودجه کل کشور به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته، و ضمن تبیین میزان موفقیت دستگاه‌های مزبور در دستیابی به اهداف بودجه‌ای (در قالب آمار، اطلاعات، جداول و نمودارها)، گزارش‌های حسابرسی مرتبط با هر دستگاه که در آن موارد وخواهی و با اظهار نظر و پیشنهاد بااهمیتی وجود داشته باشد، به عنوان معیار سنجش عملکرد ذکر شده است.

مباحث مندرج در گزارش تفریغ هر دستگاه نیز از مقدمه، اهداف و وظایف سازمان اصلی، گزارش تفریغ تبصره‌های خاص سازمان اصلی، گزارش تفریغ شامل دریافت‌ها و گزارش‌های حسابرسی موجود و اطلاعات تفریغ دریافت‌ها و گزارش‌های حسابرسی تشکیل شده است. مضاف بر این گزارش تفریغ اعتبارات و گزارشات حسابرسی موجود، شامل اطلاعات تفریغ اعتبارات و گزارش‌های حسابرسی، گزارش تفریغ اقلام سنواتی و گزارشات حسابرسی موجود، اطلاعات تفریغ اقلام سنواتی و گزارش‌های حسابرسی، گزارش تفریغ بودجه شرکت‌ها و گزارش حسابرسی هم می‌باشد. اطلاعات، تفریغ بودجه شرکت‌ها در قالب جداول خلاصه وضعیت بودجه و منافع و مصارف و گزارش‌های حسابرسی و سایر موارد نیز در قالب تحلیل‌های آماری، نمودارها و... قابل انتشار و پیگیری است.

اصلی‌ترین دلیل انتشار چنین گزارشی هم مطابق با قانون و فلسفه وجودی مجلس شورای اسلامی است که به‌عنوان بالاترین نهاد و مرجع تصمیم‌گیرنده و نماینده مردم با ملاحظه گزارش تفریغ بودجه توسط دیوان محاسبات، باید مطمئن شود که جوهری را که طبق قانون بودجه در اختیار دستگاه‌های دولتی قرار می‌دهد، به نحو مطلوب مصرف شده است.

کنترل تورم

تورم محصول کسری بودجه است که ابتدا باید کسری بودجه به روش‌های زیر درمان شود و پس از آن تورم با درمان کسری بودجه کنترل می‌گردد.

روش‌های درمان کسری بودجه:

- ۱- هزینه‌کردها با اولویت‌بندی در سازمان برنامه و بودجه که به‌عنوان لایحه بودجه ارائه می‌شود، مدیریت شود.
- ۲- صرفه‌جویی و افزایش بهره‌وری در هزینه‌کردها.
- ۳- کوچک‌سازی دولت با فروش شرکت‌های وابسته به دولت در بورس به جهت جمع‌آوری پول‌های سرگردان و تامین مالی.
- ۴- تقویت روش‌های اخذ مالیات‌های و جلوگیری از فرار مالیاتی.
- ۵- افزایش تولید.
- ۶- ایجاد مسیرهای تجاری با کشورهای همسایه.
- ۷- حذف یارانه پنهان کالاها.
- ۸- افزایش دستمزدها.
- ۹- کنترل واردات.
- ۱۰- حذف ارز دلار از تجارت‌ها و استفاده از ارز کشورهای همسایه.
- ۱۱- توقف چاپ پول بدون پشتوانه (خلق پول).
- ۱۲- افزایش منابع درآمدی به دولت غیر از منابع درآمد نفت (تأمین مالی).



روش های درمان کسری بودجه

الویت بندی چگونه موجب کاهش تورم می شود؟

هزینه کردها با اولویت بندی در سازمان برنامه و بودجه که به عنوان لایحه بودجه ارائه می شود، مدیریت شود.

سازمان برنامه و بودجه در تدوین و ارائه لایحه بودجه باید با دقت بیشتری به احتمال تحقق درآمدها و افزایش ناخواسته هزینه کردهای احتمالی توجه کند که مستلزم الویت بندی وظایف قوه مجریه است تا در اجرای برنامه ها در دوران تحریم، دچار کسری بودجه و تامین از راه های تورمزا نشود که در ادامه توضیح داده می شود:

↓ کاهش درآمدهای دولت ↓ و ↑ افزایش سالانه هزینه ها ↑ موجب می شود دولت ها برای جبران کسری بودجه اقداماتی نمایند که ناخواسته خود به افزایش نرخ تورم می انجامد. کسری بودجه زمانی رخ می دهد که دولت منابع کافی برای هزینه های خود نداشته باشد اما حاضر نشود از هزینه های خود بکاهد. در واقع منفی شدن تراز درآمدها و هزینه ها در طول اجرای یک سال قانون بودجه را کسری بودجه می گویند.

دولت ها در طول سال اجرای بودجه همواره تلاش می کند تا به اندازه ای که منابع وصول می نمایند، هزینه داشته باشند و اگر هر قدر منابع پیش بینی شده در لایحه بودجه وصول نشوند که ضعف مدیریت در برنامه ریزی لایحه بودجه قلمداد می گردد دولت ها به اجبار باید مصارف خود را کم و اولویت بندی نمایند. مثلاً سالانه به دلیل عدم تحقق منابع، بخشی از بودجه عمرانی اختصاص نمی یابد اما بخشی از هزینه ها که واقعاً ضروری هستند

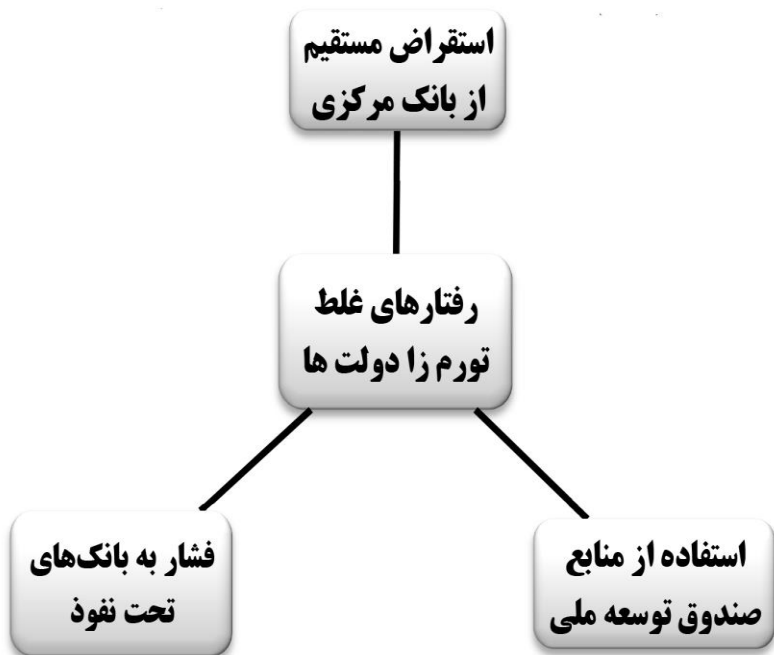
یا دولت تمایل دارد که پرداخت نماید و عملاً اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود دولت را وادار می‌نماید که به نحو تورم‌زا تامین کند که آثار منفی آن در اقتصاد ماه‌ها و سال‌های پیش‌رو نمایان می‌شود. به بیان دیگر مساله اصلی این است که در بودجه سال‌های اخیر هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر در مقابل منابع غیرقابل تحقق قرار می‌گیرند.

در زیر به تعدادی رفتارهای اشتباه دولت‌ها برای جبران کسری بودجه که خود موجب افزایش تورم‌زا است، اشاره می‌شود:

۱- **استقراض مستقیم از بانک مرکزی:** و این کار را به اصطلاح «چاپ پول» می‌گویند. این روش به افزایش پایه پولی و نقدینگی می‌انجامد و در عمل تورم به‌همراه می‌آورد.

۲- **استفاده از منابع صندوق توسعه ملی:** در صورتی که منابع صندوق توسعه ملی باید صرف توسعه زیرساخت اقتصادی برای کشور شود و نه مخارج جاری در کشور، از سوی دیگر با توجه به تحریم اقتصاد ایران ارزشهای صندوق توسعه در حساب‌های بلوکه شده قرار دارند؛ به همین دلیل وقتی دولت‌ها آنها را به بانک مرکزی فروخته و معادل آن ریال دریافت می‌کنند، بانک مرکزی نمی‌تواند آن ارز را به مردم و واردکنندگان بفروشد و معادل ریالی که به دولت داده را از اقتصاد جمع نماید. به این ترتیب عملاً استقراض از صندوق توسعه ملی مشابه استقراض از بانک مرکزی عمل می‌کند و پایه پولی و نقدینگی را همراه با تورم افزایش می‌دهد.

۳- فشار به بانک‌های تحت نفوذ: که پول خرج‌های دولت را بدهند، به طور مثال به بانک کشاورزی فشار می‌آورد تا هزینه خرید گندم تضمینی را متقبل شود. در این روش نیز بانک‌ها برای پوشش کسری بودجه خود از بانک مرکزی استقراض می‌کنند، در واقع به جای استقراض مستقیم دولت از بانک مرکزی، دولت با واسطه بانک‌ها از بانک مرکزی استقراض می‌کند. اثر این کار رشد پایه پولی و نقدینگی و در نتیجه تورم خواهد بود، ضمن اینکه این امر سبب می‌شود که این بانک‌ها در تامین مالی بخش غیردولتی هم دچار مشکل شوند.



به عبارت دیگر گرچه دولت یا مجلس با انگیزه خیر و درحالی که منابع کافی ندارند، هزینه‌هایی را در بودجه در نظر می‌گیرند اما در عمل تورم بیشتری را در سال‌های بعد به مردم تحمیل می‌کنند. دولت‌ها با انگیزه‌هایی (گزارش عملکرد، انتخابات، به نفع جریان سیاسی و...) اقداماتی را انجام می‌دهند که در نهایت به زیان اقشار مختلف جامعه به ویژه فرودستان و طبقه کارگر منجر می‌شود.

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت به ازای هر ۱۰ ه. م. ت کسری بودجه ↓ دو درصد نرخ تورم افزایش ↑ پیدا می‌کند، یعنی اگر بر اساس روندهای کلی اقتصاد بنا بر این بود که بدون کسری بودجه، تورم سال آینده ۲۰ درصد باشد، با کسری بودجه ۴۰ ه. م. ت نرخ تورم به ۲۸ درصد پیش‌بینی می‌شود.

در سال ۱۳۹۸ بنا بر آمارها، نرخ کسری بودجه حدود ۱۷۵ ه. م. ت اعلام شده بود و این امر به معنای اثر بیش از ۳۵ درصدی آن بر نرخ تورم سال ۱۳۹۹ است. در سال ۱۳۹۹ بنا بر آمارها نرخ کسری بودجه حدود ۱۸۰ ه. م. ت و در سال ۱۴۰۰ بنا بر آمارها حدود ۶۴۷ و در سال ۱۴۰۱ بنا بر آمارها حدود ۴۸۰ اعلام شده است.

سال	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
کسری به ه. م. ت	۱۷۵	۱۸۰	۶۴۷	۴۸۰

نرخ تورم هرچه بالاتر رود، در واقع فاصله طبقاتی در کشور را افزایش می‌یابد.

دولت‌ها چگونه با دور زدن لایحه بودجه موجب افزایش

تورم می‌شوند؟

به‌طور مثال دولت دوازدهم پس از مصوب کردن لایحه بودجه در مجلس شورای اسلامی و تصویب شورای نگهبان و ابلاغ به دستگاه‌ها در طی جلسه شورای هماهنگی سران سه قوه با اصلاحات اساسی مجوزهایی از سران قوا گرفته تا بتواند عدم تحقق منابع خود را پوشش دهد. این مجوزها شامل موارد زیر بود:

- ۱- انتشار بیشتر اوراق مالی.
- ۲- برداشت از صندوق توسعه ملی.
- ۳- استقراض مستقیم و غیرمستقیم دولت از بانک مرکزی.
- ۴- فروش دارایی‌ها.

این میان عملاً تمام جلسات و مباحث مربوط به بررسی و تصویب لایحه بودجه در مجلس به گونه‌ای بی‌اثر شد که به معنای تصمیم‌گیری واقعی در مورد بودجه کشور نبوده است و مجلس نیز در عمل با تصویب این لوایح زمینه را برای حذف کردن خود از بازی تصویب بودجه، سپردن آن به شورای سران قوا را فراهم کرده است.

صرفه‌جویی و افزایش بهره‌وری در هزینه‌کردها با توسعه

دولت الکترونیک

بهره‌وری سازمانی مفهومی است که میزان دقت و کارآمدی را در جهت رسیدن به اهداف کسب و کار در نظر می‌گیرد. یک سازمان بهره‌ور، مانند یک ماشین، به خوبی طراحی و روغن کاری شده است تا در هر لحظه

بتواند در مسیرهای مختلف و با حداقل اتلاف منابع و زمان، در راستای مسیر تعیین شده، حرکت کند.

به طور کلی، بهره‌وری سازمانی یعنی یک سازمان بداند چگونه می‌تواند به موثرترین شکل ممکن، به اهداف خود با حداقل منابع مالی و انسانی به مطلوب‌ترین مقصود دست پیدا کند که موجب کاهش اتلاف منابع مالی می‌شود و در سطح وسیع کاهش منابع مالی سازمانی در هر سازمان می‌تواند نقش کوچکی در سطح کلان داشته باشد و نقش قابل توجه در جبران کسری بودجه را خواهد داشت.

اگر کسب و کارها سیستمی شوند و فرآیندهای بهینه داشته باشند، می‌توان انتظار داشت تا بهره‌وری کل سازمان نیز بهبود پیدا کند. آمار نشان می‌دهد که میزان بهره‌وری در ایران حدود ۳۰ درصد است اما این آمار درباره کشورهای پیشرفته‌ای چون ژاپن ۶۰ الی ۷۰ درصد برآورد می‌شود. این یعنی سازمان‌های ایرانی می‌توانند با یک دوم منابعی که برای کارهای مختلف تخصیص داده‌اند، همان کارها را انجام دهند.



مقایسه بهره‌وری کشورهای ایران و ژاپن

بهره‌وری در سازمان سودآوری، رشد و پیشرفت آن را مشخص می‌کند اما زمانی که تمام سازمان‌ها برای افزایش بهره‌وری و مدیریت آن تلاش کنند، نتیجه‌اش پیشرفت کشور و قرار گرفتن در رده‌های بالای جهانی است. این موضوع حتی روی کیفیت زندگی شخصی و اجتماعی مردم هر جامعه هم تأثیر دارد. به همین دلیل است که امروز مدیران باید دقیقاً بدانند بهره‌وری چیست و چگونه باید آن را در سازمان خود افزایش دهند.

کوچک‌سازی دولت با فروش شرکت‌های وابسته به دولت در

بورس به جهت آوری پول‌های سرگردان و تامین مالی

شرکت‌های دولتی در ایران به موسساتی اطلاق می‌شود که بیش از ۵۰٪ سهام آنها در اختیار دولت است.

کوچک‌سازی دولت با امر خصوصی‌سازی صحیح محقق می‌شود. خصوصی‌سازی فرایندی اجرایی، مالی و حقوقی است که دولت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان برای انجام اصلاحات در اقتصاد و نظام اداری کشور به اجرا در می‌آورند.

تعریف و اهداف خصوصی سازی

ادیات نظری و تجارب عملی در علم اقتصاد نشان می دهد که شرکت های دولتی از عملکرد خوبی برخوردار نبوده و نیستند، به طوری که کالا و خدمات تولیدی آنها با وجود صرف هزینه های زیاد از کیفیت خوبی برخوردار نیست و در مجموع واحدهای اسراف گر و ناکارآمدی هستند، همچنین به دلیل تلاش دولت برای ایجاد یا حفظ اشتغال این شرکت ها از داشتن نیروی کار اضافی رنج می برند. شرکت های دولتی به دلیل کار کردن در فضای غیررقابتی قیمت های پایینی برای محصولات خود برمی گزینند و این باعث زیان های هنگفت مالی شده است. بدیهی است خصوصی سازی به منظور رفع نقایص کارآمدی دولت مطرح شده به گونه ای که می توان گفت خصوصی سازی فرآیندی به منظور دستیابی به ترکیب مطلوب دولت و بخش خصوصی به منظور دستیابی به اهدافی نظیر کارآیی و رشد بلندمدت اقتصاد است. در این فرآیند بخشی از

فعالیت های ناکارای بخش عمومی به بخش خصوصی تفویض می شود، مشروط بر اینکه بخش خصوصی قابلیت جایگزینی بخش عمومی را داشته باشد و قادر باشد کارایی اقتصادی را در فعالیت های تفویض شده افزایش دهد.

در مجموع اکثر کارشناسان داخلی و خارجی و نیز مؤسسات اقتصادی داخل و خارج از کشور، **درد بزرگ اقتصاد ایران را بزرگی حجم دولت و نقش کم رنگ بخش خصوصی می دانند.** گرچه در این خصوص بارها اقداماتی صورت گرفته ولی نتیجه مطلوبی دربر نداشته و نتوانسته مانع از تورم شده و یا موجب رشد متوازن اقتصادی و اشتغال مولد و رفع بیکاری شود.

تجربه خصوصی سازی در کشورهای مختلف

بررسی تجربه خصوصی سازی در کشورهای مختلف نشان می دهد به طور کلی دولت ها برای اصلاح نقش دولت در اقتصاد و مشارکت عمومی مردم در فعالیت های اقتصادی تلاش های چشم گیری داشته اند. در اغلب این کشورها برنامه خصوصی سازی با اهداف افزایش رشد اقتصادی، کاهش کسری بودجه و افزایش کارآیی پیگیری شده است. همچنین در این کشورها پیامدهای منفی اجتماعی خصوصی سازی که معمولاً بصورت مازاد نیروی کار، بازنشستگی پیش از موعد کارگران و... می باشد، رخ داده است و

همین امر نیز باعث شده تا انتقادات گسترده‌ای به خصوصی‌سازی صورت گیرد؛ بنابراین باید توجه شود که هدف از خصوصی‌سازی تنها تغییر مالکیت نیست، بلکه هدف عمده افزایش کارآیی اقتصادی و از آن طریق افزایش سطح رفاه اجتماعی است.

بررسی تجربه کشورها در زمینه خصوصی‌سازی نشان می‌دهد تغییر مالکیت بنگاه‌های دولتی به مالکیت خصوصی (خصوصی‌سازی) در صورتی مفید خواهد بود که **مقدم بر تغییر مالکیت، اقتصاد کشور از یک محیط رقابتی و یک دولت تنظیم‌گر بهره‌مند باشد.** تنظیم‌گری در معنای عام شامل انواع مداخلات دولت به منظور تحقق اهداف حاکمیت است. هدف از این مداخلات ایجاد «کنترل عمومی» بر ارائه‌کنندگان خدمات برای تضمین «منفعت عمومی» است.

در غیراین صورت خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی به بحران بیشتر منجر خواهد شد. ژوزف استیگلیتز اقتصاددان برنده جایزه نوبل در جمع بندی از تجربه خصوصی‌سازی در کشورهای مختلف چنین اظهار نظر می‌کند:

«تبدیل انحصار عمومی به انحصار خصوصی به قیمت‌های بالاتر و نه کمتر و کارایی کلی اقتصادی کمتر و نه بیشتر منجر می‌شود. باید تاکید کنیم آنچه موجب دستیابی به نقطه بهینه پارتو می‌شود، مالکیت خصوصی، رقابت و اطلاعات کامل است.»

کارایی پارتو یا بهینگی پارتو: یک مفهوم در علم اقتصاد است با کاربردهایی در مهندسی و علوم اجتماعی. این مفهوم حالتی از تخصیص

منابع است که در آن امکان بهتر کردن وضعیت یک فرد بدون بدتر کردن وضعیت فردی دیگر وجود ندارد. این اصطلاح به احترام ویلفردو پارتو، یک مهندس و اقتصاددان ایتالیایی که از این مفهوم در مطالعاتش در زمینه کارایی اقتصادی و توزیع درآمد استفاده کرد، نامگذاری شده است. این مفهوم در زمینه‌های دانشگاهی مانند اقتصاد، مهندسی و علوم زیستی کاربرد دارد.

بنابراین دولت تنظیم‌گر و محیط رقابتی جزء پیش‌نیازهای

خصوصی‌سازی کارآمد است. مقصود از دولت تنظیم‌گر دولتی است که بتواند از انتقال منابع به فعالیت‌های سودآوری جلوگیری کند، نظام مالیاتی همه فعالیت‌ها را تحت پوشش قرار داده باشد و آثار جنبی فعالیت‌های بخش خصوصی را برای بنگاه‌ها درونی سازد.

خصوصی‌سازی در فضایی که دولت از انجام امور فوق ناتوان

است، به احتمال زیاد به رخداد امور زیر منجر خواهد شد:

۱. تبدیل دارایی‌های مولد صنعتی به فعالیت‌های سوداگرانه.
 ۲. انتقال سرمایه‌ها به فعالیت‌های زیرزمینی و بخش‌های سودآور.
 ۳. افزایش آثار خارجی منفی و تقلیل اثر خارجی مثبت (سرمایه‌گذاری کمتر در نیروی انسانی و تحقیق و توسعه و خطرپذیری کمتر).
- اما در مورد رابطه خصوصی‌سازی و ایجاد رقابت باید گفت که خصوصی‌سازی قبل از ایجاد رقابت منجر به بسته شدن فضای رقابتی می‌شود. از سوی دیگر رقابت امری است جدا از شیوه مالکیت و می‌توان

با سازوکارهای مختلف رقابت را میان بنگاه‌های دولتی و خصوصی افزایش داد. در همین رابطه چین توانسته است بدون خصوصی‌سازی، به تقویت فضای رقابتی در اقتصاد نائل شود اما کشورهای اروپای شرقی و روسیه که خصوصی‌سازی را مقدم بر تقویت رقابت کرده‌اند به بحران‌های مختلف دچار شده‌اند.

لهستان یکی از نخستین کشورهای اروپای مرکزی بود که کوشید اقتصادش را از یک نظام سوسیالیستی با برنامه‌ریزی متمرکز به یک نظام مبتنی بر بازار منتقل سازد. درسی که می‌توان از تجربه لهستان آموخت این است که تحول اقتصاد لهستان که موجب رشد اقتصادی و کاهش قیمت‌ها شد، بیش از آنکه به خصوصی‌سازی واحدهای اقتصادی بزرگ دولتی مربوط باشد، مدیون توسعه بنگاه‌های کوچک و میان‌مقیاس است. دولت لهستان با برداشتن موانع و محدودیت‌ها، باعث شد که زمینه برای فعالیت کارآفرینان برای انجام فعالیت‌های کوچک تحت نظارت دولت فراهم شود. تا اوایل سال ۱۹۹۳م بیش از ۷.۱ میلیون بنگاه خصوصی به ثبت رسیده بود که بیشتر آنها به وسیله افرادی راه‌اندازی شده که برای این کار از پس‌اندازهای شخصی‌شان استفاده کرده بودند. از این گذشته ۶۱۴۳۷ شرکت خصوصی داخلی به ثبت رسید که عنوان تعاونی‌های قانونی در ۱۱۴۳۷ مورد سرمایه‌گذاری مشترک فعالیت می‌کردند.

تجربه‌ی خصوصی‌سازی در ایران

خصوصی‌سازی در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در خرداد ماه ۱۳۸۴ توسط امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ابلاغ شد و با ابلاغ این سیاست‌ها که از آن به انقلاب اقتصادی یاد می‌شد، قرار بود ریل‌گذاری جدیدی در اقتصاد کشور ایجاد گردد. معظم‌له خلاصه هدف این سیاست را آزاد شدن دولت از فعالیت‌های اقتصادی غیرضروری و باز شدن راه برای حضور حقیقی سرمایه‌گذار در عرصه‌ی اقتصاد کشور و... بیان نمودند. آنچه با بررسی بیش از یک دهه از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مشخص شده، این است که سهم بخش خصوصی واقعی در اقتصاد ملی افزایش نیافته و حتی درآمدهای حاصل از واگذاری‌ها نیز عمدتاً به صورت رد دیون یا در قالب سهام عدالت توزیع شده است. حجم عظیمی از سهام شرکت‌های دولتی مشمول واگذاری به‌جای آنکه به سمت بخش خصوصی کارآمد هدایت شود، به سمت سازمان‌ها و نهادهای طلبکار از دولت یا شبه‌دولتی‌ها منتقل شده‌اند. این وضعیت ناشی از نبود راهبرد مشخص در باب خصوصی‌سازی است.

یکی از دلایل اصلی ناکامی خصوصی‌سازی در ایران این است که خصوصی‌سازی با اهداف سمت عرضه (نظیر رهایی از بار مالی شرکت‌های دولتی و کسب درآمد) انجام شد و اهداف جانب تقاضا (نظیر بهبود کارایی شرکت‌ها) مورد کم‌توجهی قرار گرفت. بی‌توجهی به جانب تقاضا باعث شد دولت از عدم وجود بخش

خصوصی، وجود بخش خصوصی با توان مالی کم یا وجود بخش خصوصی غیرمولد غفلت کند و نتیجه این غفلت جایگزین شدن بخش عمومی غیردولتی و سایر طلبکاران توانمند دولت در جانب تقاضای واگذاری‌ها بود.

در ادامه به برخی شواهد پیرامون وضعیت نابسامان خصوصی‌سازی و واگذاری‌ها در ایران اشاره می‌شود:

واگذاری طرح نیمه‌تمام فولاد بافق توسط سازمان توسعه و نوسازی معدن و صنایع معدنی به بخش خصوصی که از طریق مزایده و در قالب قانون بودجه سال ۱۳۸۹ انجام گردید، بنا به دلایل مختلف دچار مشکلات عدیده شد. یکی از علل اساسی بروز مشکلات و شکست این نوع واگذاری می‌توان به رعایت نکردن سازوکارهای قانونی موجود در قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نبود مقررات صحیح در مسیر قیمت‌گذاری، عدم رعایت اصل رقابت و شفافیت در واگذاری، اطلاعات نامتقارن و عدم بسترسازی اشاره کرد.

دکتر عادل آذر رئیس دیوان محاسبات کشور در گزارشی که در صحن علنی مجلس در بهمن ماه سال ۱۳۹۷ ارائه شد، روند واگذاری‌ها در کشور را به صورت زیر تشریح نمود:

در بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶، ۸۳۵ شرکت دولتی به بخش خصوصی واگذار شده است. در این مدت شاهد برخی تخلفات در واگذاری‌ها بوده‌ایم، همچون:

- ۱- ارزش‌گذاری کم شرکت‌ها
- ۲- اهلیت نداشتن متقاضی خرید.

به ویژه در شرکت‌های همچون هپکو اراک، ماشین‌سازی تبریز، پالایش نفت کرمانشاه، کشت و صنعت مغان و شرکت المهدی و هرمزال و همچنین شرکت توسعه گردشگری بودیم؛ به‌عنوان نمونه شرکت نفت کرمانشاه ارزش واقعی آن ۶۱۷ میلیارد تومان بود که ۱۹۹ میلیارد تومان یعنی کمتر از یک سوم ارزش واقعی واگذار شده است. شرکت‌های آلومینیم المهدی و هرمزال ۹۱۴ میلیارد تومان واگذار شده است در حالی که بعد از واگذاری ۳۴۶ میلیارد تومان جدید از دارایی‌ها و ارزش واقعی آن کشف شد که در واگذاری لحاظ نشده بود. در واگذاری شرکت کشت و صنعت مغان نیز تخلف عدیده و جدی مشاهده می‌شود. ارزش واقعی این شرکت ۴ هزار میلیارد تومان بود اما به متقاضی ۱۸۵۰ میلیارد تومان دادند. تخلفات فوق به جایی رسید که رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) در سخنرانی ابتدای سال ۱۳۹۸ به این روند سوءاستفاده در خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی واکنش نشان دادند و مقابله با آن را یکی از پیش‌شرط‌های رونق تولید ملی عنوان نمودند:

«... یک شرط دیگر هم این است که از سوءاستفاده‌ها غفلت نشود. بعضی‌ها سوءاستفاده کردند؛ سوءاستفاده می‌کنند؛ سوءاستفاده‌چی وجود دارد؛ انواع و اقسامی هم [دارد]؛ این ابتکار ایرانی، این ذهن مبتکر ایرانی همین جور که در کارهای خوب به درد می‌خورد، در شیطنت هم گاهی اوقات همین ابتکارها به وجود می‌آید. یک روش‌های عجیب و غریبی را برای سوءاستفاده انسان می‌بینید و در گزارش‌ها مشاهده می‌کنید. خب، مسئولین بایست مراقبت کنند؛ هم قوه‌ی مجریه، هم قوه‌ی قضائیه.

دستگاه‌های ناظر بایست مراقبت کنند. من این را به رئیس‌جمهور محترم گفتم. ایشان در اظهار عمومی گفتند که ما می‌خواهیم کارخانه‌های فلان‌جا را بفروشیم؛ من گفتم مراقب باشید [چون] طرف می‌آید کارخانه را از شما می‌خرد، نه به قصد اینکه کار را ادامه بدهد و تولید را ادامه بدهد. کارخانه را می‌خرد، ماشین‌آلات را می‌فروشد، زمین را هم برج درست می‌کند، کارگرها را هم بیرون می‌کند. مراقب یک چنین افرادی باید بود، مراقب این سوءاستفاده‌کن‌ها باید بود.»

پیش‌نیازهای خصوصی‌سازی در ایران

در عمل واگذاری بخشی از فعالیت‌های بخش عمومی به بخش خصوصی در ایران بعضاً با ناکامی‌هایی روبرو گشته است که به نظر می‌رسد دو جریان بر این فرآیند حاکم می‌باشد. جریان اول مربوط به چسبندگی نهادها و سازمان‌های دولتی ذینفع نسبت به واگذاری شرکت‌ها و کارخانجات تحت پوشش خود می‌باشد. مقاومت نهادهای دولتی از جمله مدیران دولتی در مسیر خصوصی‌سازی از مهمترین موانع اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است. جریان دوم مربوط به عدم انگیزه بخش خصوصی نسبت به قبول تصدی فعالیت‌های قابل تفویض می‌باشد.

جریان چسبندگی نهادها و سازمان‌ها و مدیران

عدم انگیزه بخش خصوصی

علل ناکامی خصوصی سازی در ایران

بررسی روند اجرای خصوصی سازی در ایران نشان می دهد، خصوصی سازی بدون تحقق پیش نیازهای آن، نمی تواند به رونق تولید ملی منجر شود و حتی می تواند اثرات معکوس داشته باشد.

موارد زیر به عنوان پیش نیازهای خصوصی سازی در ایران مطرح می شود:

۱. تضمین فضای مناسب کسب و کار برای بخش خصوصی

به طور کلی بخش خصوصی داخلی و خارجی نیازمند محیط کسب و کار مناسب برای فعالیت است، هر قدر محیط کسب و کار مناسب تر باشد ریسک های تجاری و غیر تجاری سرمایه گذاری و ریسک توسعه فعالیت های تولیدی کمتر و هزینه های مبادله در اقتصاد پایین تر خواهد بود.

۲. شفاف سازی اطلاعات و مقررات در واگذاری ها

نااطمینانی بخش خصوصی از چشم انداز سیاست ها با توجه به عدم کارآمدی و سودآوری محیط کسب و کار، عدم وجود ثبات و امنیت کامل اقتصادی، کمبود قوانین نوین و منسجم، موانع جدی قانون کار، دیوان سالاری دولتی، نبود ضمانت اجرایی برای برنامه های زمان بندی شده، شفاف نبودن عملکردها، زیان ده بودن شرکت های دولتی و کتمان حقایق و وقایع مالی شرکت های واگذاری شده، باعث می شود انگیزه خریداران برای شرکت در مزایده های خرید کاهش خواهد یافت. بدین ترتیب شفاف سازی در دارایی ها و امور مالی شرکت های واگذار شده و قیمت گذاری و ارزشیابی صحیح این شرکت ها از مباحث کلیدی و

پیش‌نیازهای خصوصی‌سازی محسوب می‌شود. امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز بر این امر تأکید جدی نمودند:

«... کار سومی که باید انجام بگیرد که قبلاً هم اشاره کردیم، شفاف‌سازی مقررات است. مقررات را بایستی شفاف کرد که جای توجیه و تبدیل و تعبیر و تأویل نباشد. راه‌های تقلب بسته بشود، جلوی کسانی که اهل سوءاستفاده از ظواهر قوانین هستند، گرفته شود.»

۳. ایجاد سیستم نظارتی قوی بر مکانیسم خصوصی‌سازی

در وهله اول باید توجه داشت منظور از خصوصی‌سازی، رهاسازی دولت نیست، بلکه تغییر نگرش به وظایف دولت مطرح است و دولت وظایف حاکمیتی خود را پس از واگذاری تصدی‌ها در امر نظارت و برنامه‌ریزی و راهبرد اقتصادی مؤثر اعمال خواهد کرد و دخالت مستقیم در فرآیند تولید، توزیع و فروش و صادرات نخواهد داشت. این امر منجر به تقویت سازمان‌های نظارتی و حسابرسی خواهد شد و بدین ترتیب از بیت‌المال محافظت شده و عدالت اجتماعی محقق خواهد شد.

۴. افزایش رقابت و بهبود کارآیی

خصوصی‌سازی هنگامی می‌تواند منجر به افزایش کارآیی داخلی بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی گردد که انتقال مالکیت و مدیریت را در پی داشته باشد. در غیر این صورت مهمترین هدف خصوصی‌سازی که افزایش کارآیی است، نادیده گرفته شده است. بدین ترتیب برای دستیابی به این اهداف لازم است که بازسازی ساختاری به معنای آمادگی بنگاه برای حضور در بازار، در بنگاه‌های دولتی صورت گیرد و سپس واگذاری‌ها انجام شود.



پیش نیاز خصوصی سازی

بازسازی ساختاری بنگاه شامل اقدامات اساسی زیر است:

۱- اصلاح ساختار مالی و بهبود نحوه ثبت و تنظیم حساب‌های بنگاه.

۲- تغییر سازمان بنگاه.

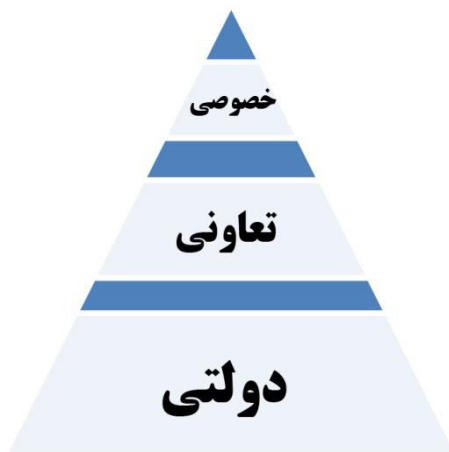
۳- بهبود تکنولوژی بنگاه.

احراز صلاحیت سرمایه‌گذار که به آن اهلیت گفته می‌شود

شامل تعهد کاری، تخصص و توان مالی می‌شود.



اصل ۴۴ در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.



بخش دولتی: شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی: شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

بخش خصوصی: شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیت های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می کند.

تقویت روش‌های اخذ مالیات‌های و جلوگیری از فرار مالیاتی

امروزه نقش مالیات‌ها در تأمین دولت و اجتماع بسیار پررنگ است. در بیشتر کشورهای جهان بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت، از طریق دریافت مالیات تأمین می‌شود. سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها، متفاوت است و میزان آن بستگی به سطح توسعه و ساختار اقتصادی آنها دارد. در این میان، **فرار مالیاتی و گریز از مالیات** در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها، همواره از آنچه که برآورد می‌شود کمتر باشد و تمامی کشورها تلاش خود را برای کاهش این دو پدیده به کار می‌گیرند یا از طریق اصلاح نظام مالیاتی، روش‌های نوین اخذ مالیات به جهت بهره‌وری (ستانده اخذ مالیات در برابر حداقل هزینه سازمانی) را ابداع و اقدام کرده‌اند.

وزارت امور اقتصادی و دارایی در کنار توجه به موضوعاتی

مانند:

- ۱- شناسایی منابع مالیاتی.
- ۲- تعیین میزان بهینه مالیات قابل پرداخت.
- ۳- میزان مشمولیت یا اصابت مالیاتی.
- ۴- تمکین مالیاتی.
- ۵- معافیت‌های مالیاتی.
- ۶- ابداع شیوه‌های نوین.

شناسایی منابع مالیاتی

تعیین میزان بهینه مالیات
پرداخت قابل

میزان مشمولیت
یا اصابت مالیاتی

ابداع شیوه‌های
نوین

معافیت‌های
مالیاتی

تمکین مالیاتی

بخش مهمی از کارایی نظام مالیاتی کشور را در پدید آوردن زمینه‌ها و شرایطی جستجو کند که با دقت، سرعت، کم‌ترین میزان هزینه به ازای هر واحد مالیات وصول شده، و کمترین میزان سوءاستفاده بتوان مالیات تعیین شده را وصول نماید. در این باره، محاسبه نسبت هزینه‌های مستقیم وصول درآمد دولت به کل درآمدهای مالیاتی نماگری را به دست می‌دهد که هزینه بالای وصول درآمدهای مالیاتی را در اقتصاد ایران به موضوعی مهم برای حداقل ساختن آن بدل می‌سازد.

فرار مالیاتی چیست و چگونه ایجاد میشود؟

هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، «فرار مالیاتی» خوانده می‌شود.

تعریف فرار مالیاتی، برای انواع مالیات‌ها یکسان است. در فرار مالیاتی، به رغم تطبیق فعالیت با قوانین، در اجرای فعالیت یک یا چند ضابطه مصوب مراجع ذی‌ربط تعمداً نادیده گرفته می‌شود.

شایع‌ترین زمینه‌های پیدایش فرار مالیاتی عبارتند از:

- ۱) عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه.
- ۲) عدم مبادله کامل اطلاعات و نبودن سیستم نظارت و پیگیری در اخذ مالیات.
- ۳) تشخیص علی‌الرأس و وجود ضعف در اجرای آن.

۴) ضعیف بودن ضمانت‌های اجرایی.

۵) تأخیر در وصول مالیات.

۶) عدم شناخت مؤدیان و مستند نبودن میزان درآمد آنها.

۷) وجود معافیت‌های وسیع و متنوع: دولت‌ها گاه با اتخاذ برخی سیاست‌های حمایتی مالیاتی و...

معافیت‌های مالیاتی، راه فرار مالیاتی را باز می‌کنند همچنین با اعطای معافیت‌های مالیاتی، گروهی از پرداخت مالیات معاف می‌شوند و این امر به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت منجر می‌شود. بنابراین اگر اعطای معافیت‌ها با دقت لازم صورت نگیرد، دولت برای کسب درآمد مالیاتی مورد نظر، فشار سنگینی را بر گروه‌های دیگر جامعه وارد می‌کند؛ یعنی برای جبران بخش خالی کاسه درآمد مالیاتی، میزان نرخ‌های مالیاتی بیشتری، بر گروه‌هایی که از معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند نیستند، تحمیل خواهد شد. بی‌تردید اعطای معافیت‌های مالیاتی گسترده، به ناکارایی نظام مالیاتی و ضعف نظام اجرایی مالیاتی منجر می‌شود.

فرق بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی

تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات به قانونی یا غیرقانونی بودن رفتار مؤدیان مربوط می‌شود.

فرار مالیاتی، یک نوع تخلف از قانون است اما اجتناب از مالیات، یک نوع سوءاستفاده رسمی از قوانین مالیاتی است. وقتی که یک مؤدی مالیاتی از ارائه گزارش درست در مورد درآمدهای حاصل از کار یا

سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می‌شود، امتناع می‌کند، یک نوع عمل غیررسمی انجام می‌دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه می‌دارد اما در اجتناب از مالیات، فرد نگران نیست که عمل او افشا شود. اجتناب از مالیات، از خلاءهای قانونی در قانون مالیات‌ها نشأت می‌گیرد. در اینجا فرد به منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات، خود دنبال راه‌های گریز می‌گردد.

در اجتناب از مالیات، مؤدی مالیاتی دلیلی ندارد نگران احتمال افشا شدن باشد، چراکه او الزاماً تمامی مبادلات خود را با جزئیات آن البته به شکل غیرواقعی، یادداشت و ثبت می‌کند.

دلایل ایجاد فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی

- ۱) پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی.
- ۲) ضعف سیاست‌های مالیاتی (مدیران ارشد مالیاتی).
- ۳) عدم توجه به منابع انسانی کارآمد.
- ۴) عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه.
- ۵) عدم وجود پاداش و تنبیه متناسب با عملکرد مؤدیان.
- ۶) عدم اطلاع مؤدیان از حقوق خود و اصول تعیین مالیات.
- ۷) عدم وجود سیستم‌های اطلاعاتی از وضعیت اقتصادی روز جامعه.

پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی

یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در تضعیف و عدم اثربخشی سیاست‌های مالیاتی، پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی است. این مساله به تنهایی به کارآیی اجرایی سیاست‌های مالیاتی صدمه وارد می‌کند. اصولاً چون قوانین وضع شده برای استفاده عموم می‌باشد و از طرفی میزان درک و فهم مردم تفاوت‌های زیادی با هم دارد لذا اولاً قوانین پیچیده قابل درک و فهم برای عموم نبوده و ثانیاً زمینه تفسیرهای سلیقه‌ای و غلط برای سوءاستفاده‌کنندگان فراهم می‌شود.

عدم آگاهی و به روز نبودن اطلاعات مدیران ارشد مالیاتی

متأسفانه امروز علیرغم رشد سریع مهارت‌ها از طریق سیستم‌های اطلاعاتی بین‌المللی از قبیل اینترنت و... اکثریت مدیران بالایی، فاقد اطلاع از قوانین و استانداردهای حسابداری و حسابرسی می‌باشند و اطلاعات اکثر مدیران در حدود و زمان تحصیل خلاصه می‌شود، تحلیل فرآیندهای نظام مالیاتی از اظهار تا پرداخت در یک سیستم مالیاتی، زمانی مفید و ممکن است که اطلاعات به‌نگام باشد و به‌درستی در مجاری صحیح قرار گیرد. اگر سازمان مالیاتی با اطلاعات ناقص مواجه شود، باید در سیستم اطلاعاتی و ممیزی خود تجدیدنظر کرده، آن را دگرگون سازد.

عدم توجه به منابع انسانی کارآمد

در حال حاضر، اغلب فرآیندها از دیدگاه درونی سازمان مالیاتی، طراحی و کم‌تر توجهی به راحتی مؤدیان می‌شود. این امر، موجب دلسردی مؤدیان و انگیزه اندک آنان برای تمکین از مقررات مالیاتی می‌گردد. همان‌طور که کارمندان در موقعیت‌های مختلف، متناسب با مهارت و تجربه خود، حقوق دریافت می‌کنند باید در ازای کارها و شیوه‌های جدیدی که در کار خود ارایه می‌دهند نیز پاداش دریافت نمایند. اگر این سیاست‌ها به اجرا درنیاید، کارمندان به سکون و یکنواختی (روزمرگی) دچار شده، اغلب انگیزه کار درست را از دست داده و به شدت از سازمان خود رنجور گشته و عدم رضایت شغلی خود را بروز می‌دهند.

عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه

بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد بیشتر مردم نمی‌دانند چرا مالیات می‌دهند. شایع‌ترین زمینه‌های پیدایش فرار مالیاتی، عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه است. فرهنگ مالیاتی، مجموعه‌ای از طرز تلقی، بینش و عکس‌العمل افراد در قبال نظام مالیاتی است. به عبارت دیگر طرز تلقی، بینش، برداشت، آرمان‌ها، ارزش‌های اجتماعی، قوانین جاری و میزان تحصیلات و آگاهی، از جمله عواملی هستند که فرهنگ مالیاتی را شکل می‌دهند.

در کشور ما، قانونگذاری به راحتی انجام می‌شود اما اجرا و نظارت بر آن در بسیاری موارد با مشکل مواجه است.

فقدان آموزش مؤدیان مالیاتی درباره تخصیص صحیح منابع مالیاتی دولت، موجب نارضایتی بیش‌تر و عدم تمایل آنان به پرداخت مالیات می‌شود.

عدم وجود پاداش و تنبیه متناسب با عملکرد مؤدیان

مؤدیان مالیاتی، عموماً به دو دسته تقسیم می‌شوند: مؤدیان قانونمدار و مؤدیان خلافکار. مؤدیان قانونمدار آن‌هایی هستند که مطابق قانون و به نسبت سهم خود، مالیات را پرداخت می‌کنند و عموماً مشکلی را برای سازمان امور مالیاتی ایجاد نمی‌کنند. این نوع مؤدیان غالباً تمکین می‌کنند و از ایجاد هزینه و مشکل برای سازمان پرهیز می‌نمایند، به همین علت سازمان مالیاتی نیز از این نوع مؤدیان اظهار رضایت کرده و غالباً سعی می‌شود این نوع مؤدیان باقی بمانند و یا بر تعداد آنها افزوده شود؛ اما در مورد دیگر مؤدیان خلافکار بحث و سخن بسیار است و سازمان امور مالیاتی سعی می‌کند با انواع سیاست‌ها، آنها را وادار به پرداخت مالیات کند. مؤدیانی خلافکار محسوب می‌شوند که مالیات‌های معوق را به دستگاه مالیاتی تحمیل می‌کنند که همین موضوع یکی از گلوگاه‌های نظام مالیاتی ایران است.

عدم رعایت اصول تعیین مالیات

متأسفانه یکی از مهم‌ترین موانع وصول مالیات عدم رعایت اصول تعیین مالیات می‌باشد. بنا بر اصل بهای خدمات، مالیات بایستی معادل بهای خدماتی باشد که دولت و دستگاه حکومت برای هر شخص انجام می‌دهد و با توجه به اصل قدرت پرداخت، مالیات هر فردی بایستی متناسب با قدرت پرداخت او باشد و درجه ثروتمندی و میزان درآمد اشخاص، ملاک تشخیص مالیات آنان باشد ولی تجربیات و پرونده‌های مالیاتی نشان می‌دهد خدمات ارائه شده توسط دولت بین پرداخت‌کنندگان و فراریان مالیات فاقد هرگونه ضوابطی است.

عدم وجود سیستم‌های اطلاعاتی از وضعیت اقتصادی روز جامعه

امروزه اطلاعات هم به‌عنوان یک منبع مهم استراتژیک در سازمان و هم به‌عنوان یک منبع عمده برای ارزش افزوده مطرح است. اطلاعات همواره به‌عنوان یک مزیت رقابتی قلمداد شده است. دستیابی به اطلاعات مربوط به فعالیت‌های گوناگون سازمان از جنبه‌های مختلف می‌تواند بر عملکرد کلی آن اثرگذار باشد، متأسفانه سیستم اطلاعاتی سازمان امور مالیاتی با فاصله بسیار زیاد از اطلاعات روز جامعه حرکت می‌کند که خود از عوامل بازدارنده سازمان و هموارکننده راه فراریان مالیاتی است.

راهکارهای بهبود روش‌های عملیاتی اخذ مالیات:

- ۱) تدوین قوانین سهل و قابل فهم برای مودیان.
- ۲) استفاده از مدیران اقتصادی جامعه.
- ۳) گسترش فرهنگ مالیاتی در بین مردم.
- ۴) تدوین تشویقات و جرایم متناسب با عملکرد مودیان.
- ۵) آموزش کارکنان سازمان امور مالیاتی.
- ۶) برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی متعدد و انتشار مقالات مختلف.
- ۷) استقرار نظام تشویقی برای پیشگامان نظام جدید.
- ۸) ساده نمودن روش‌های اخذ مالیات و حذف روش‌های زائد.
- ۹) کاهش زمان وصول مالیات از مرحله تشخیص.

تدوین قوانین سهل و قابل فهم برای مودیان

به‌منظور تضمین اثربخشی دستگاه مالیاتی در قدم اول باید قوانین و مقررات مالیاتی و حسابداری به‌طور جامع تعریف و تضمین شود. برای رویه‌ها و قوانین جدید باید مجوزهای جدید اخذ شود تا در مجمع‌القوانین کشوری و آیین‌نامه‌های مالیاتی ثبت گردد. تغییرات قوانین مالیاتی به شدت به استانداردهای نوین حسابداری وابسته است. به عبارت دیگر باید مقررات مربوط به مؤدیان در نگهداری دفاتر و فاکتورها و چگونگی ارایه

آنها به سازمان مالیاتی، به صورت شفاف تبیین شود. در نهایت برای پیاده کردن اصلاحات باید رضایت حاکمیت و آحاد مردم جلب گردد.

به طور کلی قوانین خوب و کارا، چندین خصوصیت و ویژگی به شرح ذیل را دارا هستند:

الف) کارآیی: در مورد کارآیی قانون، باید به این نکته توجه کرد که آیا قانون مربوطه از نظر اجرای سیاست‌های مالیاتی، کارآیی و اثربخشی را دارد؛ به عبارت دیگر قانونی کارآ و اثربخش است که نتیجه مورد نظر از تصویب آن حاصل شود. به عنوان مثال یکی از اهداف قانون برای الزام مؤدیان مالیات بر شرکت‌ها به منظور ارایه اظهارنامه، ترازنامه و سود و زیان، می‌تواند شناخت کامل از نحوه گردش مالی یک شرکت در اقتصاد و استفاده از اطلاعات مالی این شرکت برای ردیابی مفاسد مالی بنگاه‌های دیگر باشد. چنانچه این هدف قانونگذار، با ارایه درست ترازنامه و سود و زیان شرکت‌ها حاصل شود، می‌گوییم قانون، کارآ (اثربخش) بوده است.

ب) سازمان‌دهی: سازمان‌دهی منطقی باعث درک و فهم بهتر مؤدیان و کاربران از قانون مالیاتی می‌شود. سازمان‌دهی قانون به این مفهوم است که مقررات مربوط به یک بخش خاص، همگی در کنار آن باشند، به عبارت دیگر مطالب مربوط به هم تا جایی که امکان دارد در کنار هم قرار گیرند. به عنوان مثال در صورتی که تمام مطالب مربوط به اجرائیات و مقررات فصل امور مالیاتی شرکت‌ها، در یک فصل جداگانه لحاظ شده

است، مؤدیان مالیاتی اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) خیلی کم‌تر دچار سردرگمی و ابهام خواهند شد.

ج) قابلیت درک: در صورتی که بخواهیم قابلیت درک یک متن افزایش یابد، ابتدا باید عبارت یک متن کوتاه باشد و در ادامه از کلمات مرموز و غیرشفاف جلوگیری به عمل آید؛ به عبارت دیگر، بایست متنی گویا و ساده ارائه کرد.

حامیان استفاده از زبان ساده در قانون‌نویسی خواهان پرهیز از زبان حقوقی برای نیل به قانونی آسان و همه‌فهم هستند، به عبارت دیگر تا جایی که امکان دارد باید از کلمات حقوقی و یا کلماتی که معروف به لغت‌نامه‌ای هستند، پرهیز کرد و به عنوان مثال می‌توان به جای عبارت «کمیسیون تقویم املاک»، عبارت «کمیسیون (هیات) ارزیابی املاک» را به کار برد.

د) انسجام: مفهوم انسجام به دو گونه قابل فهم است: اول این که می‌تواند به معنی ارتباط معنی‌دار عناصر یک قانون با یکدیگر باشد و دوم این که با سایر مقررات و قوانین انسجام داشته باشد. به عبارت دیگر باید اطمینان یافت که قانون مالیاتی با بقیه نظام حقوقی تلفیق شود. به عنوان مثال قانون مالیات‌های مستقیم نباید به هیچ عنوان با اصول و استانداردهای حسابداری و حسابرسی مغایرت و ناهماهنگی داشته باشد و یا در خود قانون، فصل مربوط به اشخاص حقیقی با فصل مربوط به اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) ناهماهنگ باشد؛ به طوری که بعضی از مشاغل در قالب اشخاص حقوقی و بعضی دیگر در قالب اشخاص حقیقی تعریف شوند.

تعیین نرخ مناسب مالیاتی باید مورد توجه جدی مسئولان مربوطه قرار گیرد و این نرخ باید به گونه‌ای باشد که مردم را تشویق به پرداخت مالیات کند ضمن آن که باید از تعدد نرخ‌های مالیاتی، جلوگیری به عمل آید.

استفاده از مدیران اقتصادی جامعه

اصولاً کارکنان سازمان‌ها انگیزه‌ای برای مطالعه ندارند چون نمی‌توانند ارتباط معناداری بین فعالیت‌های اداری و مطالعه تخصصی بیابند یعنی اینکه امور در سازمان به صورت سنتی و عادت انجام می‌پذیرد، نه به صورت علمی. روانشناسان اعتقاد دارند برای این که رفتاری بروز کند باید حتماً نیازی در فرد ایجاد شده باشد تا کارکنان احساس نیاز به داشتن مطالب علمی جدید در خود حس نکنند و با همین میزان دانش و اطلاعات فعلی بتوانند امور اداری روزمره را انجام دهند. دیگر فرهنگ مطالعه شکل نمی‌گیرد. بنگاه‌های اقتصادی خصوصی به دلیل داشتن مالکیت خصوصی یا نیاز به پاسخگویی به سهامداران معمولاً با سرعت بیشتری سعی در تطبیق خود با دنیای اقتصاد را دارند ولی متأسفانه مدیران دولتی بنا به دلایلی از جمله عدم پاسخگویی صریح و عدم وجود اطلاعات و آمار صحیح نه تنها خود را مکلف به مطالعه علوم جدید ندانسته حتی اکثراً پس از تصدی پست مدیریت، ارتباط خود را با دنیای اقتصاد و اطلاعات قطع می‌نمایند لذا استفاده از مدیران اقتصادی جامعه به عنوان مشاور در سطح مدیران ارشد و تا حدودی مدیران میانی باعث ارتقاء سطح علمی مدیران و آگاهی از مسائل روز می‌شود. برای مثال امروزه اکثر سیستم‌های حسابداری به صورت نرم‌افزاری و با اشکال گوناگون در بازار

موجود می‌باشد ولی عملاً اکثر مدیران و حتی کارکنان قدرت کار با رایانه را ندارند و معمولاً در رسیدگی‌های مالیاتی این ضعف سیستم باعث اختلافات فی‌مابین مودیان و ادارات امور مالیاتی شده و خود باعث عدم اعتماد مردم به سیستم مالیاتی می‌گردد.

گسترش فرهنگ مالیاتی در بین مردم

فرهنگ مالیاتی، مجموعه‌ای از طرز تلقی، بینش و عکس‌العمل افراد در قبال نظام مالیاتی است. به عبارت دیگر طرز تلقی، بینش، برداشت، آرمان‌ها، ارزش‌های اجتماعی، قوانین جاری و میزان تحصیلات و آگاهی، از جمله عواملی هستند که فرهنگ مالیاتی را شکل می‌دهند.

از جمله وظایف مدیریت مالیاتی، آگاهی رساندن به مؤدیان برای سهولت بیش‌تر کار و مطلع کردن مردم از قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها و تصمیمات سازمان است. این امر به‌طور سیستماتیک از فرار مالیاتی (اجتناب از مالیات) کاسته و باعث خود به‌خودی افزایش تمکین مالیاتی می‌شود. ایجاد سایت اینترنتی، انتشار روزنامه و یا مجله تخصصی در زمینه مالیات، ایجاد پایگاه‌های مشاوره در سراسر کشور، برنامه هفتگی رادیو و تلویزیونی، ایجاد بانک‌های مختلف اطلاعاتی و... می‌تواند باعث اعتماد مؤدیان به سازمان مالیاتی شود.

بر اساس قانون، هر شهروندی دارای حقوقی است که دولت موظف به تحقق آنهاست اما منابع مالی این خدمات از کجا تأمین می‌شود؟ در

بسیاری از کشورها شهروندان در مقابل حقوق و خدماتی که از دولت دریافت می‌کنند وظایفی را هم بر عهده دارند که پرداخت مالیات به عنوان تامین‌کننده منابع مالی خدمات دولتی، یکی از اصلی‌ترین آنها محسوب می‌شود.

هرچند این رویه معقول از قدیم در کشور ما به دلیل اتکا به درآمدهای نفتی کمتر مورد توجه بوده اما خوشبختانه طی دهه‌های اخیر مورد تأکید دولتمردان و کارشناسان اقتصادی قرار گرفته و حتی در رفتار اقتصادی مردم هم تأثیر گذاشته است. در شرایط فعلی این پرسش مطرح است: مالیاتی که مردم پرداخت می‌کنند، به کجا می‌رود؟

در پاسخ، باید گفت که به دلیل عدم فرهنگ‌سازی مناسب همچنان در این باره ابهام وجود دارد. به عبارت دیگر، توضیح درباره این که سرانجام مالیاتی که مردم پرداخت می‌کنند در چه جایی هزینه می‌شود، ضروری است. برای مثال اگر مردم بدانند مالیاتی که پرداخت می‌کنند صرف ساخت بیمارستان، مدرسه، فرودگاه و... می‌شود، قطعاً خود را موظف به پرداخت آن خواهند کرد ولی هم‌اکنون نحوه مصرف مالیات به‌طور معین برای مردم مشخص نیست و نیاز به فرهنگ‌سازی دارد.

دولت نیز با اتخاذ برنامه‌هایی باید به این سمت برود که فرهنگ‌سازی در زمینه پرداخت مالیات و این که این کار یک وظیفه ملی تلقی شود، در دستور کار قرار گیرد. البته توجه به پیوند میان سیاست مالیاتی و دستگاه وصول مالیات در اصلاح نظام مالیاتی کشور از هر حیث، موضوعی مهم و قابل تأمل به‌شمار می‌آید.

تدوین تشویقات و جرائم متناسب با عملکرد مودیان

برای کاهش فرار مالیاتی در سیستم مالیاتی کشور باید یک نظام مالیاتی بسیار ساده از نظر تشکیلات، قوانین و... طراحی شود، زیرا مطالعات متعدد نشان داده است که تشکیلات اداری و پیچیده، فرار مالیاتی را گسترش می‌دهد. جرایم مالیاتی باید به نحوی باشد که موجبات کاهش فرار را فراهم آورند و تصمیم قاطعانه در مورد جریمه و سختگیری در این رابطه نیز باید به‌طور جدی دنبال شود زیرا یکی از عوامل مؤثر در ارتکاب فرار مالیاتی، یادگیری از رفتار دیگران است. در همین رابطه اگر به نحوی عمل شود که مجرمان بزرگ به سزای عمل خود رسیده و معرفی شوند، می‌توان امیدوار بود که دیگران کمتر مرتکب عمل غیرقانونی شوند. ضمن آن که اهتمام سازمان مالیاتی و قضایی کشور در این رابطه بسیار ضروری است.

آموزش کارکنان سازمان مالیاتی

اغلب مقررات مالیاتی، دارای ابهاماتی هستند که توسط ماموران مالیاتی تفسیر می‌شوند و درک جامع مدیریتی و جمعی از آنها وجود ندارد. بعضی از مدیران به‌منظور افزایش و یا حفظ قدرت خویش، معمولاً اطلاعات را حفظ می‌کنند. این امر ممکن است مانع رسیدن پیام‌ها به تمامی کارکنان شود.

معمولاً عملکرد کارکنان از طریق آموزش، تحت کنترل مدیریت قرار نمی‌گیرد و همچنین عملکرد خوب کارکنان همیشه مشمول ارتقا و پرداخت‌های بهتر نخواهد شد.

اگرچه آموزش در داخل سازمان امور مالیاتی کشور ارزشمند تلقی می‌شود ولی برنامه‌های آموزشی در برخی موارد بیش از حد وسیع است و اغلب، نیازهای کارکنان و یا شکاف‌های مهارتی و علمی آن‌ها را پوشش نمی‌دهد. در برخی موارد، به نظر می‌رسد ارتقا و جبران مالی، کم‌تر با عملکرد کارکنان مربوط است و بیش‌تر به ارتباط آن‌ها با افراد قدرتمند سازمان بستگی دارد.

یکی از عوامل کلیدی در پیشرفت نظام مالیاتی، داشتن کارمندان کارا و خلاق است. به منظور دارا بودن این پرسنل باید به نکات زیر توجه کرد:

(۱) اختیارات و مسئولیت‌های هر شخص به‌طور کامل و شفاف، مشخص باشد.

(۲) هر فرد به رتبه و سمتی دست یابد که در آن تخصص، مهارت و تجربه داشته باشد.

(۳) هر شخص به اندازه شئون، منزلت و مقامی که دارد حقوق و مزایا دریافت کند.

(۴) برگزاری کارگاه‌های آموزشی و انتشار مقالات مختلف و تبادل اطلاعات. تاسیس و تشکیل انجمن‌ها و مجامع حرفه‌ای و تخصصی در هر کشوری یکی از نشانه‌های پیشرفت است. اطلاعات مفید دارای چهار ویژگی هستند؛

(۱) بهنگام بودن. (۲) کیفیت.

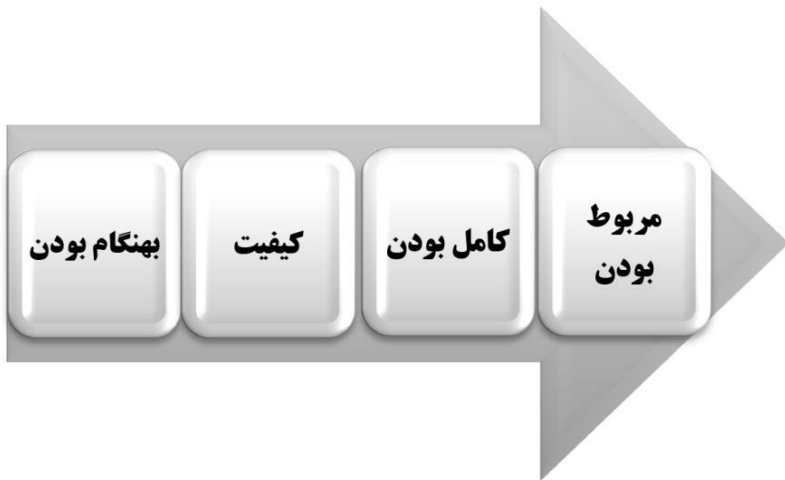
(۳) کامل بودن. (۴) مربوط بودن.

بهنگام بودن به اینکه آیا در هنگام تصمیم‌گیری دسترسی به اطلاعات امکان‌پذیر است یا خیر، اشاره دارد. کیفیت به معنای صحت اطلاعات است. افراد به سادگی می‌توانند با اطلاعات غلط تصمیم‌های اشتباهی را اتخاذ کنند. کامل بودن به مقدار اطلاعات گردآوری شده، دلالت دارد و مربوط بودن به میزان ارتباط اطلاعات با اهداف تصمیم‌ها اشاره دارد. تکنولوژی جدید به یک اقتصاد امکان می‌دهد که یا شیوه‌های تازه تولیدی ابداع کند و یا اگر از دیگر اقتصادها عقب‌مانده است، سعی کند به آنها برسد و هر دوی این خصیصه‌ها نیز به میزان سرمایه انسانی در یک جامعه وابسته است.

شواهد موجود نشان می‌دهد که درآمد بالا - در سطح کشور و یا حتی در سطح خانوارها - با آموزش بهتر همراه است و اما نکته جالب این‌که، امروزه می‌دانیم برای درآمد بالا داشتن، آموزش بیشتر لازم است؛ یعنی سازمان‌های دارای افراد سالم و آموزش‌دیده، معمولاً کارایی بیشتری دارند و قادرند برای دستیابی به اهداف بالاتر، سرمایه‌گذاری نمایند. به نظر من، به عنوان بخشی از سیاست‌های ما برای توسعه اقتصادی باید به این رابطه دوسویه توجه کرده و برای بهره‌برداری بهینه، سرمایه‌گذاری کنیم و این کار میسر نمی‌شود مگر با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و انتشار مقالات، نقطه‌نظر کارکنان درون سازمان و مدیران اقتصادی و دیگر صاحب‌نظران و محققان خارج از سازمان.

سازمان‌هایی که دانش خود را مدیریت می‌کنند، سطح بالایی از بهره‌وری را به دست می‌آورند. سازمان‌ها با داشتن دسترسی بیشتر به دانش کارکنان خود، تصمیم‌های بهتری اتخاذ نموده، فرآیندهای خود را شکل می‌دهند، تکرار کارها را کم می‌کنند، نوآوری را افزایش می‌دهند و به یکپارچگی و همکاری بالایی دست می‌یابند. به عبارت دیگر، در بخش دولتی اعمال مدیریت دانش می‌تواند هزینه انجام کارها را کاهش دهد و خدمات به ارباب رجوع را اعتلا بخشد.

به‌طور کلی تبادل اطلاعات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی خود باعث بهره‌وری سازمان می‌شود.



چهار ویژگی اطلاعات مفید

استقرار نظام تشویقی برای پیشگامان نظام جدید

پیتر دراگر در کتاب «مدیریت برای قرن بیست و یکم» می‌نویسد: قرن آینده، قرن کار گروهی است.

تحولات و دگرگونی نظام اجتماعی، اقتصادی عصر حاضر ریشه در پیشرفت و تغییرات بوجودآمده در علم و تکنولوژی دارد. از این رو تضمین حیات و بقا سازمان‌ها نیازمند نوآوری، ابداع و خلق محصولات و خدمات جدید می‌باشد؛ چنین رویدادی میسر نیست مگر توسط افرادی که بتوانند با ایجاد تحول در سازمان‌ها یا تأسیس شرکت‌های نو این امر را محقق سازند. کارکنان توانمند قادرند راه‌حل‌های مناسب برای مشکلات سازمان پیدا کنند. در محیط کاملاً رقابتی امروز مدیران فرصت چندانی برای کنترل کارکنان خود ندارند و باید بخش عمده‌ای از وظایف روزمره را به‌عهده آنها بگذارند و این میسر نمی‌شود مگر با استقرار نظام تشویقی برای کارکنان کارآفرین.

ساده نمودن روش‌های اخذ مالیات و حذف روش‌های زائد

اصلاح نظام مالیاتی یکی از اولویت‌های اصلی می‌باشد. نظام مالیاتی به تدریج به یک سیستم بسیار پیچیده تبدیل شده است که دشواری‌های زیادی برای مردم پدید آورده به‌طوری‌که اشخاص باید روزها و هفته‌ها را صرف انجام محاسبات مالیاتی خود کنند و یا دست به استخدام حسابداران شخصی یا مشاوران مالیاتی بزنند اما از سوی دیگر

پیچیدگی‌های این سیستم به گروه‌های ذینفع امکان سوءاستفاده و پرداخت مالیات کمتری را می‌دهد.

با توجه به آنکه همه ساله مقررات و متمم‌های متعددی به قانون مالیات اضافه می‌شود، دولت هر چند سال یک‌بار مجبور است که دست به اقدامات اصلاحی زده و نظام مالیاتی را با توجه به شرایط جدید ساده‌تر و معقول‌تر نماید. در عین حال، عدالت اجتماعی هم در همه کشورها از اهمیت اساسی برخوردار است و در کشورهای پیشرفته از طریق منابع مالیاتی تحقق می‌یابد.

کاهش زمان و هزینه وصول مالیات از مرحله تشخیص

مالیات باید در مناسب‌ترین موضع و برحسب مساعدترین شرایط از مودیان وصول شده و برای آنان حداقل ناراحتی و مزاحمت را ایجاد کند بنابراین وظیفه دولت طرح مالیات و طریقه اجرای آن است.

مالیات و شرایط مربوط به آن باید طوری تنظیم شود که از لحاظ زمان پرداخت و طریقه پرداخت بر مالیات‌دهنده حداقل فشار ممکن را وارد آورده و برای دولت نیز در موقع وصول زحمتی ایجاد ننماید، مثلاً مالیات بر درآمد در زمانی مطالبه شود که مالیات‌دهنده دسترسی به آن درآمد داشته باشد نه در زمانی که یا آن درآمد هنوز به دست مالیات‌دهنده نرسیده و یا کلاً خرج شده است.

بنابراین طریقه وصول آن باید طوری تنظیم شده باشد که تفاوت بین اصل مالیات پرداختی توسط مالیات‌دهنده و آنچه پس از کسر هزینه‌های

مربوط تحویل خزانه دولت می‌گردد، حداقل باشد؛ به عبارت دیگر مالیات باید طوری وصول شود که هزینه وصول آن نسبت ناچیزی از اصل مالیات باشد. یکی از علل مهم و موثر در ازدیاد هزینه وصول، وجود افرادی است که به منظور برقراری یا وصول یک مالیات در سازمان دولت انجام وظیفه می‌نمایند و قسمت اعظم وصولی مالیات صرف پرداخت حقوق و مستمری آنها می‌شود.

چگونه مالیات را اخذ کنیم:

به جهت اخذ مالیات باید موارد زیر که شرح آن آمده است، به دقت اجرا شود تا هزینه‌های جاری کشور محقق گردد و در نتیجه رفاه عمومی افزایش یابد:

- ۱- ایجاد و اثبات اعتماد.
- ۲- آسان سازی شیوه‌ها.
- ۳- پرداخت‌های دیجیتال.
- ۴- منابع جدید درآمد پیدا کنید.



ایجاد و اثبات اعتماد:

برای اینکه مالیات محقق شود، شهروندان باید به دولت های خود اعتماد کنند. شهروندان نیاز به مدرکی دارند مبنی بر آنکه منابعی که به سختی بدست آورده اند، به صورت عاقلانه استفاده می شود و در درازمدت از پروژه هایی که با استفاده از وجوه مالیات دهندگان تکمیل شده اند، سود خواهند برد. این نیاز به شفافیت در مورد هزینه های دولت وجود دارد. دولت ها می توانند با انتشار راهبردهای هزینه کردی و اجرایی شده، شهروندان را از نحوه هزینه مالیات پرداخت شده مطلع و متقاعد نمایند. مدارکی که نشان دهد دولت ها مبلغ بیش از شمولیت مالیات دهندگان دریافت نمی کنند. دولت ها می توانند از ارتباط دادن درآمدهای مالیاتی به پروژه های خاص دور شوند. افزایش خدمات عمومی اعتماد مردم را به دولت افزایش می دهد.

اعتماد از چهار بعد تشکیل شده است که هر یک در طراحی

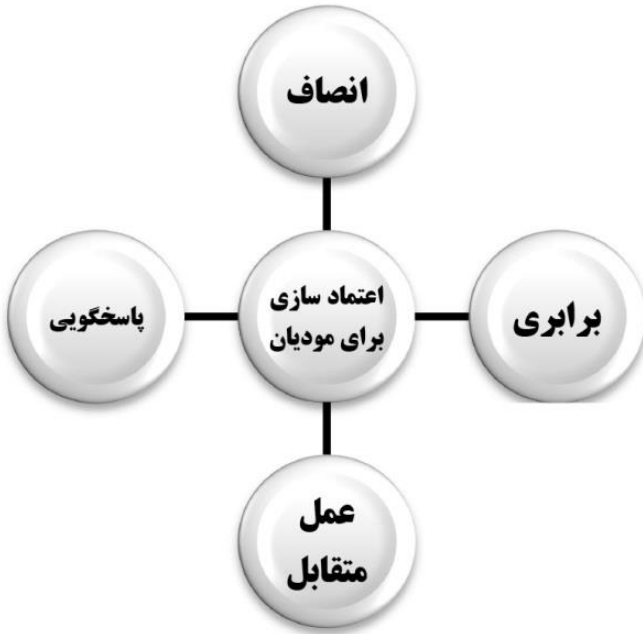
استراتژی های اعتمادسازی نیازمند توجه ویژه است:

انصاف: سیستم های مالیاتی باید منصفانه طراحی و اجرا شوند.

برابری: بار مالیاتی باید به طور عادلانه توزیع شود تا همه سهم خود را بپردازند.

عمل متقابل: درآمدهای مالیاتی باید به کالاها و خدمات ارائه شده عمومی تبدیل شود.

پاسخگویی: دولت‌هایی که این سیستم‌های مالیاتی را اداره می‌کنند، باید به نگرانی‌های مالیات‌دهندگان پاسخ دهند.



شیوه‌های آسان

سیستم‌های پیچیده مالیاتی فرهنگ فرار را تقویت می‌کنند و می‌توانند فرصت‌هایی برای فساد ایجاد کنند. شیوه‌های دسترسی آسان به مسئولین اداره مالیات، ارائه آسان اظهارنامه، مشاورین رایگان، شیوه اعتراض آسان.

پرداخت‌های دیجیتالی

هرچه سیستم مالیاتی ساده‌تر باشد، امکان پرداخت الکترونیکی مالیات آسان‌تر است.

کشورهای زیادی در مسیر ساده‌سازی مالیات اقدام کرده‌اند، اگرچه درصد پیشرفت نابرابری دارند. به‌عنوان مثال، در ساحل عاج، زمان تهیه و تشکیل پرونده مالیاتی در سال ۲۰۱۷ از ۲۷۰ ساعت به ۲۰۵ ساعت پس از معرفی یک سیستم تشکیل پرونده الکترونیکی برای شرکت‌ها کاهش یافت اما در گابن، با وجود در دسترس بودن سیستم پرونده الکترونیکی، زمان آماده‌سازی و تشکیل پرونده در سال ۲۰۱۷ افزایش یافت.

برای اینکه پرونده الکترونیکی در همه جا موثر باشد، لازم است بسیاری از کشورها برای رفع موانع اساسی زیرساخت فناوری اطلاعات اقدام نمایند.

منابع جدید درآمد پیدا کنید

مالیات بر دارایی، مالیات غیرمستقیم و مالیات کربن منبع نهفته قابل توجهی از درآمد در کشورهای کم‌درآمد هستند زیرا عمدتاً برای خانوارهای ثروتمندتر اعمال می‌شود. آنها همچنین می‌توانند از رفتارهای ناخواسته مانند رانندگی در مناطق شلوغ، سیگار کشیدن یا مصرف غذاهای ناسالم جلوگیری کنند.

اخذ مالیات بر فعالیت‌های غیرتولیدی (نظیر مالیات بر عایدی سرمایه ناشی از معاملات مسکن)

منشور حقوق مودیان مالیاتی عبارتند از:

اصل اول) احترام و رفتار مناسب با مودی

خط‌مشی سازمان امور مالیاتی کشور بر تکریم ارباب رجوع (مودیان) و رعایت حقوق اخلاقی و اجتماعی مردم استوار است. بنابراین حسن سلوک کارگزاران مالیاتی و رعایت جانب عدالت و انصاف در چارچوب قوانین و مقررات از مواردی است که سازمان تأکید فراوان بر آن دارد و کلیه ماموران مالیاتی موظفند در برخورد با مودیان این اصل مهم را رعایت کنند.

اصل دوم) پرداخت مالیات طبق موازین قانونی

این حق به موجب اصل ۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای مودیان در نظر گرفته شده است که مضمون آن چنین است. «هیچ مالیاتی گرفته نمی‌شود مگر به موجب قانون».

اصل سوم) تقاضای مشاوره

مودی مالیاتی حق دارد به رایگان از خدمات مشاورانی که سازمان امور مالیاتی کشور جهت راهنمایی و پاسخ به سوالات آنها در ادارات امور مالیاتی به کار گمارده است، استفاده کند.

اصل چهارم) رعایت عدالت در رسیدگی پرونده

با وجود کوشش‌ها و تلاش‌های فراوان توسط قانونگذار و در جهت جلوگیری از تضييع حقوق دولت و مردم، گاهی اوقات و در پاره‌ای از موارد به دليل نارسایی و ضعف قانون، حقوق بعضی از مودیان ضایع می‌شود. در این میان خوشبختانه ماده ۲۵۱ مکرر نقش موثر و سازنده‌ای در جهت این نقیصه ایفا نموده است و به منزله یک عدالتخانه در وزارت دارایی و سازمان امور مالیاتی محسوب می‌شود. بدین ترتیب مودی این حق را دارد که به صرف غیرعادلانه بودن مالیات به استناد مدارک و دلایل کافی شکایت نموده و تقاضای تجدید رسیدگی را نماید.

اصل پنجم) دارا بودن حق وکیل یا نماینده

مودی مالیاتی حق دارد به جای خود، وکیل مالیاتی یا نماینده قانونی‌اش را با رعایت مقررات مربوطه به اداره امور مالیاتی بفرستد. ذکر این موضوع نیز ضروری است که به موجب قانون مالیات‌های مستقیم وکیل یا نماینده مودی نباید از کارکنان شاغل یا آماده به خدمت در وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان امور مالیاتی کشور باشند.

اصل ششم) حق تصحیح و اصلاح اسناد و مدارک تسلیمی

به موجب تبصره ماده ۲۲۶ قانون مالیات‌های مستقیم به مودیان مالیاتی اجازه داده می‌شود در صورتی که به نحوی از انحاء در اظهارنامه، ترازنامه یا حساب سود و زیان تسلیمی از نظر محاسبه اشتباهی شده باشد، با ارائه مدارک لازم ظرف یک ماه از تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه نسبت به رفع اشتباه، اقدام و اظهارنامه، ترازنامه یا حساب سود و زیان اصلاحی را حسب مورد تسلیم نماید.

اصل هفتم) محرمانه بودن اطلاعات مودی در حین رسیدگی

اداره امور مالیاتی و سایر مراجع مالیاتی می‌بایست اطلاعات شخصی مودیان را که در حین رسیدگی بدست می‌آورد، محرمانه تلقی نمایند و گرنه طبق قانون مجازات اسلامی با آنها رفتار خواهد شد.

اصل هشتم) کسب اطلاع

معمولاً مودیان مالیاتی اوراق مالیاتی خود را:

- ۱- از طریق ماموران و کارکنان سازمان امور مالیاتی دریافت می‌کنند.
- ۲- سازمان امور مالیاتی می‌تواند به منظور تحویل اوراق مالیاتی به مودیان از خدمات پستی استفاده نماید (ماده ۲۰۳ ق.م.م و تبصره‌های آن).
- ۳- از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار به اطلاع مودی می‌رسد.
- ۴- مودی می‌تواند برای اطلاع از نحوه تشخیص یا محاسبه مالیات تصویر گزارش نهایی را از واحد مالیاتی دریافت نماید.

اصل نهم) اعتراض به مالیات مطالبه شده

در صورتی که مودی به برگ تشخیص مالیات ابلاغ شده به وی معترض باشد، می‌تواند ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ شخصاً یا به وسیله وکیل تام‌الاختیار خود به اداره امور مالیاتی مراجعه و با ارائه دلایل و اسناد و مدارک کتباً تقاضای رسیدگی مجدد نماید. (ماده ۲۳۸ ق.م.م)

اصل دهم) برخورداری دادرسی بی طرفانه پیش از الزام به

پرداخت مالیات

مودیان مالیاتی می‌توانند ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ برگ تشخیص و در صورتی که با رییس امور مالیاتی به توافق نرسند، با دادن اعتراض کتبی

به برگ تشخیص، رسیدگی مجدد را از هیات حل اختلاف مالیاتی درخواست نمایند.

اصل یازدهم) انتخاب نماینده از سوی مودی

مودی حق دارد یک نفر نماینده از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، یا اتاق تعاون، یا جامعه حسابداران رسمی یا مجامع حرفه‌ای یا تشکلهای صنفی یا شورای اسلامی شهر به انتخاب خود جهت شرکت در هیات حل اختلاف مالیاتی معرفی نماید. (بند ۳ ماده ۲۴۴ ق.م.م)

اصل دوازدهم) برخورداری از معافیت‌ها و تسهیلات قانونی

مودیان مالیاتی در صورت ارائه به‌موقع اظهارنامه و انجام تکالیف قانونی می‌توانند از معافیت‌ها و تسهیلات قانونی برخوردار شوند.

اصل سیزدهم) تقاضای تقسیط مالیات

وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند نسبت به مودیانی که قادر به پرداخت بدهی مالیاتی خود اعم از اصل و جریمه به‌طور یک‌جا نیستند، از تاریخ ابلاغ مالیات قطعی بدهی مربوط را حداکثر به مدت ۳ سال تقسیط نمایند. این حق به صراحت در ماده ۱۶۷ قانون مالیات‌های مستقیم بیان شده است.

اصل چهاردهم) قائل بودن از برخورداری از حداقل معیشت

برای مودی در چارچوب قانون

مودی مالیاتی به‌موجب ماده ۲۱۲ قانون مالیات‌های مستقیم این حق برایش لحاظ شده است که از اداره امور مالیاتی بخواهد در هر یک از مراحل مختلف وصول و اجرا حق برخورداری از حداقل معیشت در چارچوب قانون و مقررات جاری برای او در نظر گرفته شود.

اصل پانزدهم) استرداد اضافه پرداخت مالیات

مودی مالیاتی حق دارد از اداره امور مالیاتی بخواهد چنانچه به هر دلیل وجوهی اضافه بر میزان مالیات واقعی اش پرداخته است و نیز مبالغی که تحت عنوان خسارت وارده به اضافه پرداختی مزبور تعلق می‌گیرد را در مدت زمان مصرح در قانون به وی مسترد نماید.

اصل شانزدهم) تقاضای مفاصا حساب مالیاتی

بهموجب ماده ۲۳۵ ق. م. م اداره امور مالیاتی مکلف است نسبت به مودیانی که بدهی مالیاتی قطعی خو را پرداخت نموده‌اند، حداکثر ظرف مدت ۵ روز از تاریخ وصول تقاضای مودی، مفاصاحساب مالیاتی تهی و به مودی تسلیم کند.

اصل هفدهم) نحوه ارائه اظهارنامه مالیاتی

به‌طور کلی مودیان مالیاتی از دو طریق می‌توانند اظهارنامه‌های مالیاتی خود را به ادارات امور مالیاتی ارائه نمایند. نخست آن که خود شخصاً اظهارنامه مالیاتی را به ادارات امور مالیاتی ارائه و رسید دریافت نماید. ماده (۱۷۷ ق. م. م).

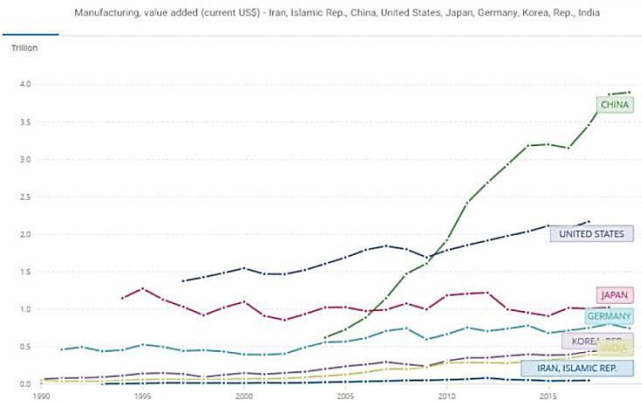
دوم آن که مودی حق دارد اظهارنامه و سایر اوراق مالیاتی که مکلف به ارائه آن می‌باشد را از طریق پست به اداره امور مالیاتی ارسال نماید.

افزایش تولید

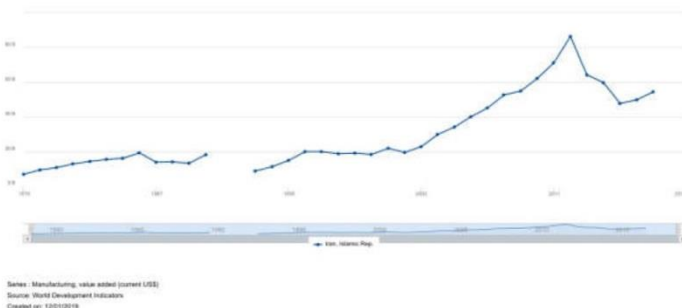
فرایند ترکیب ورودی‌های مختلف از مواد و غیرمواد (نقشه‌ها، دانش ساخت و...) با یکدیگر در جهت ساخت چیزی برای مصرف می‌باشد (خروجی). تولید در اصل ساخت یک خروجی، کالا یا خدمت دارای ارزش است که افراد از آن سود می‌برند. قسمتی از علم اقتصاد که بر روی تولید تمرکز دارد به عنوان **تئوری تولید** شناخته می‌شود که شباهت‌های فراوانی به تئوری مصرف در علم اقتصاد دارد.

بسیاری از کشورهای دنیا، با افزایش تولید و از طرف دیگر با حمایت از تولید داخلی، توانسته‌اند به اشتغال‌زایی بپردازند و در پی آن، نرخ بیکاری را تا حد چشمگیری کاهش دهند. ایجاد شغل و جهش تولید با یکدیگر رابطه مستقیم دارند و هر دو نیز در رشد و شکوفایی اقتصادی یک کشور، تأثیر بسزایی خواهند داشت. ایران می‌تواند با بهره‌گیری از سیاست‌های کشورهایی که در این زمینه با موفقیت عمل کرده‌اند، خود نیز به شکوفایی در تولید و البته افزایش اشتغال، دست یابد. در این میان

کشورهای چین، ژاپن، ترکیه و یا آلمان، می‌توانند الگوی خوبی برای ایران باشند. البته باید توجه داشت که شناخت بخش‌هایی که پتانسیل اشتغال‌زایی دارند نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. مقایسه روند سالیانه ارزش افزوده از سال ۱۹۹۰ م تا ۲۰۱۷ م تولید کشور ایران با برخی کشورهای دیگر در نمودار، نشان می‌دهد چین با شیب زیادی ارزش افزوده تولید خود را افزایش داده‌است.



میزان ارزش افزوده تولید ایران از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۷ - ارزش افزوده تولید با شیبی تند از ۱۹,۴۱۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۸۶,۰۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ رسیده‌است.



افزایش حجم مبادلات تجاری با تسهیل مسیرهای تجاری با ۱۵ کشور همسایه

یکی از اصلی‌ترین موضوعات در کشور، استفاده از ظرفیت همکاری‌های تجاری با کشورهای همسایه ایران است. بدین منظور دولت باید به بهبود سطح روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای منطقه اهتمام نماید.

میزان واردات در میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بسیار گسترده است. البته نمی‌توان انتظار داشت که ما بتوانیم تمام این نیازها را تامین کنیم یا در مدتی کوتاه سهم بزرگی از این بازار را در اختیار بگیریم اما موضوعی که قطعی است، ظرفیت‌های گسترده صادراتی ایران در حوزه‌های مختلف است که بسیاری از آنها در میان کشورهای منطقه خریدار دارد و اگر ما زیرساخت‌های لازم را برای این موضوع تعیین کنیم، قطعاً می‌توان از آن بهره برد.

از محصولات خوراکی و کشاورزی گرفته تا برخی اقلام مصرفی که در ایران تولید می‌شوند، همگی شانس حضور در بازار کشورهای منطقه را دارند و باید تلاش کرد که از این فرصت به بهترین شکل بهره برد. این که پس از چند سال امارات متحده عربی به ایران سفیر بفرستد، قطعاً نشانه‌ای مثبت بر بهبود روابط سیاسی و همچنین اقتصادی خواهد بود. همچنین توافق از سرگیری روابط با عربستان سعودی نیز گشایش خوبی است. این کشور عربی نیز چه از نظر جمعیت و چه از نظر میزان واردات، بازار بسیار مطلوبی برای کالاهای ایرانی به‌شمار می‌رود و می‌توان در صورت فراهم

شدن شرایط، مقدمات صادرات محصولات ایرانی به این کشور را فراهم کرد. در کنار تجارت، در حوزه‌هایی مانند توریسم بهداشتی نیز، ایران ظرفیت بسیار مناسبی برای جذب مسافر از کشورهای منطقه دارد. چه از نظر سطح تخصص و امکانات و چه از نظر قیمت، امکان آن وجود دارد که ایران در حوزه گردشگری سلامت، گام‌های مهمی بردارد و بهبود روابط با کشورهای منطقه می‌تواند این شرایط را فراهم کند. در شرایط فعلی، ایران از نظر تجهیزات و زیرساخت‌های حمل و نقل، برای ارسال برخی کالاهای خود به مقاصد دورتر مانند اروپا یا آفریقا مشکلاتی دارد اما این مسائل در رابطه با کشورهای منطقه صدق نمی‌کند. از این رو با یک برنامه‌ریزی درست و حل مشکلات سیاسی، می‌توان انتظار داشت که ظرفیت‌های تجاری جدید برای ایران باز شود.

ایران با پانزده کشور در مرزهای زمینی و دریایی همسایه است. با هفت کشور، مرز زمینی و با هشت کشور، مرز دریایی دارد. از شرق با پاکستان و افغانستان، از شمال با ترکمنستان، روسیه، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان، از غرب با ترکیه و عراق، و از جنوب با کویت، عربستان، قطر، بحرین، امارات و عمان همسایه است.

به جهت افزایش مبادلات تجاری با کشورهای همسایه پیشنهاد می‌شود اقدامات پیوسته و مستمر زیر با فعال تر کردن سفرای ایران در وزارت امور خارجه در ۱۵ کشور همسایه مجدانه پیگیری شود:

- ۱- تسهیل در جهت ایجاد بانک ایرانی در پایتخت سیاسی کشورهای همسایه.
- ۲- رفع موانع حمل و نقل آبی، خاکی در چارچوب توسعه ناوگان ملی تجاری، مذاکره و چانه‌زنی با مقامات کشورهای همسایه.
- ۳- استقرار رایزن بازرگانی در پایتخت سیاسی کشورهای همسایه.
- ۴- اعزام هیئت‌های تجاری و بازاریابی از استان‌های مختلف کشور به مناطق مختلف کشورهای همسایه.
- ۵- همکاری در زمینه استاندارد کالاها و اخذ نشان استاندارد کشورهای همسایه برای کالاهای صادراتی ایران به مقصد کشورهای همسایه.
- ۶- مشارکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی کشورهای همسایه در زمینه مواد غذایی، نفت و گاز و پتروشیمی، محصولات پلاستیکی، محصولات دانش‌بنیان، خدمات مهندسی، صنایع دستی، آموزشی، گردشگری، کامپوزیت، صنایع هوایی، صنایع دریایی، صنایع نظامی، لبنی، کشاورزی، شیلات، معدن، خودرو و...
- ۷- برگزاری نمایشگاه ایران در مراکز تجاری در کشورهای همسایه.

- ۸- برگزاری همایش فرصت‌های تجاری جمهوری اسلامی ایران در پایتخت سیاسی کشورهای همسایه.
- ۹- سفر دوره‌ای وزرا به منظور مشارکت در همایش اقتصادی و ایجاد ارتباط حسنه به کشورهای همسایه.
- ۱۰- تشکیل کارگروه حمل و نقل و کشاورزی برای توسعه صادرات محصولات کشاورزی در پایتخت سیاسی کشورهای همسایه.
- ۱۱- مشارکت در نمایشگاه بین‌المللی مواد غذایی در کشورهای همسایه.
- ۱۲- گشایش اعتبار اسنادی، انتقال پول به صورت حواله بانکی از بانک‌های ایران به مقصد بانک‌های کشورهای همسایه و نیز امکان صدور ضمانت‌نامه بانکی برای تجار و بازرگانان و سرمایه‌گذاران.
- ۱۳- امضای قرارداد همکاری و افتتاح نمایندگی شرکت‌های بزرگ ایرانی در کشورهای همسایه.
- ۱۴- افتتاح سرای تجاری ایرانیان در مرزهای تجاری کشورهای همسایه.
- ۱۵- برگزاری جلسه میز کشورهای همسایه با حضور رئیس و مدیران سازمان توسعه تجارت ایران، سازمان‌های مرتبط و بخش خصوصی جهت شناسایی فرصت‌های تجاری.
- ۱۶- برگزاری همایش چشم‌انداز روابط اقتصادی ایران در کشورهای همسایه.
- ۱۷- برگزاری نمایشگاه اختصاصی در کشورهای همسایه.
- ۱۸- تاسیس شرکت در حوزه برندسازی و تجارت بین‌الملل در کشورهای همسایه.

حذف یارانه کالاها

هدم‌سازی یارانه‌ها در ایران یکی از مهم‌ترین بخش‌ها و نمایان‌ترین بخش طرح تحول اقتصادی است که به تغییر فرایند دادن یارانه‌ها می‌انجامد.

در این فرایند با حذف تدریجی یارانه‌ها از مواد **سوختی، مواد خوراکی، آب، برق و سایر اقلام** در ایران نوع تخصیص تغییر می‌کند که ۶۰ درصد از این یارانه‌ها در سال ۱۳۹۰ حذف شده و به صورت نقدی به مردم پرداخت می‌شد و سایر درآمد آن، برای کارهای عمرانی و فرهنگی صرف می‌گشت. قانون هدم‌کردن یارانه‌ها در زمستان ۱۳۸۷ به صورت لایحه از سوی دولت نهم ارائه شد و پس از مدت‌ها کش و قوس، با اعمال تغییراتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

این کار در دولت دهم به اجرا گذاشته شد و بخش عمده آن در دهه ۱۳۹۰ انجام شد. از هدم‌سازی یارانه‌ها به عنوان بزرگ‌ترین طرح تاریخ اقتصادی ایران نام برده می‌شود.

مطابق این قانون شانزده قلم کالا و خدمات مشمول حذف یارانه و عرضه به قیمت بین‌المللی می‌شوند. در مدت پنج سال از شروع اجرای قانون یارانه کالاهایی چون بنزین، گازوئیل، گاز، نفت، برق، آب، گندم، شکر، برنج، روغن و شیر حذف شده و آنها با قیمت بازارهای منطقه خلیج فارس عرضه می‌شوند. چالش هدم‌سازی یارانه‌ها از جمله کسری بودجه است که سبب افزایش قیمت‌ها و گسترش حجم پول می‌شد که رشد حجم پول و سرعت گردش پول هم برابر با تورم است که هرچه حجم پول افزایش یابد، تورم هم به همان میزان افزایش می‌یابد؛ حتی در

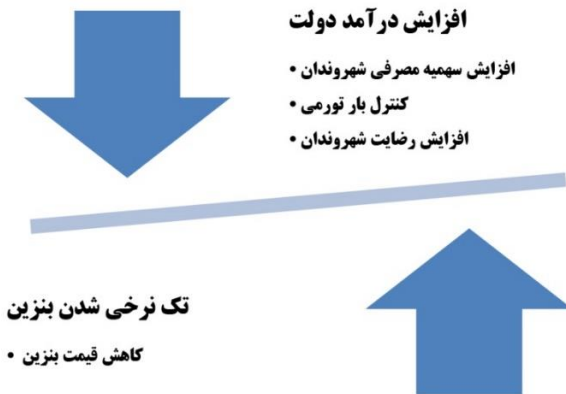
زمان کوتاه هم اگر سرعت گردش پول تغییر کند، سطح عمومی قیمت‌ها بدون تغییر در حجم پول می‌تواند تغییر کند. برای اولین بار بعد از شروع طرح هدفمندی یارانه‌ها، در دولت سیزدهم، یارانه کمک معیشتی مردم از ۴۵۵۰۰ تومان به ۳۰۰ و ۴۰۰ هزار تومان افزایش داده شد. طبق برنامه دولت سیزدهم، مردمی‌سازی یارانه از اردیبهشت ۱۴۰۱ از ۸۳ میلیون نفر کل جمعیت کشور ۷.۷۴ میلیون یارانه‌بگیر در دو طبقه تقسیم‌بندی شده‌اند که ۳۰ درصد از کل یارانه ۴۰۰ هزار تومانی، ۶۰ درصد یارانه ۳۰۰ هزار تومانی و ۱۰ درصد از مردم نیز یارانه‌ای مشمول یارانه نخواهند شد.

میانگین درآمد مصرف‌کننده بنزین روزانه ۷۵ میلیون لیتر				تعداد شهروندان مشمول یارانه نقدی در سال به میلیون نفر	دوره دولت			
۶۰ درصد یارانه ای و ۴۰ درصد آزاد به جز دوره ۱۱					چهارمصد هزار تومان	نیمصد هزار تومان	چهارمصد هزار تومان	
یارانه آزاد (تومان)	ماه به تفاوت آزاد	آزاد در روز (میلیارد تومان)	آزاد در سال (همت)	(میلیون نفر)	دولت دهم	دولت یازدهم	دولت دوازدهم	دولت سیزدهم
۷۰۰-۴۰۰	۳۰۰	۹	۳.۲۸۵	۷۰	***	***	۷۰	***
۱۰۰۰	۶۰۰	۴۵	۱۶.۴۲۵	۷۰	***	***	۷۰	***
۱۵۰۰-۳۰۰۰	۱۵۰۰	۴۵	۱۶.۴۲۵	۷۰	***	***	۷۰	***
۱۵۰۰-۳۰۰۰	۱۵۰۰	۴۵	۱۶.۴۲۵	۷۴.۴	۲۴.۹	۴۹.۸	***	***
تحلیل: درآمد دولت دوازدهم با افزایش نرخ بنزین همانند درآمد تک‌نرخه دوره یازدهم بوده است و با این تدبیر نابخردانه فضای امنیتی و آشوب‌ها را بر کشور جهت متشنج نشان دادن و نیاز به عقب‌نشینی در مذاکرات با قصد قبلی ایجاد کرده‌اند.					۱۱۹.۵۲	۱۷۹.۲۸	۳۸.۲۲	مبلغ یارانه در سال به همت
					۲۹۸۸	۳۸.۲۲	مجموع یارانه سال	

برخی کارشناسان، اختصاص نیافتن بخش مهمی از منابع هدفمندی یارانه‌ها به بخش تولید را عامل بی‌اثرسازی یارانه‌ها دانسته‌اند.

دولت ایران در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۸۲ میلیارد دلار یارانه پرداخت کرده است. میزان یارانه پرداختی از سوی ایران، معادل یک دهم کل یارانه پرداختی در جهان بوده است. ایران بزرگ‌ترین کشور یارانه‌دهنده در جهان برای مصرف سوخت‌های فسیلی است. ۴۰ درصد از ۸۲ میلیارد دلار یارانه پرداختی توسط دولت ایران در سال ۲۰۱۲ به مصرف فرآورده‌های نفتی، ۳۶ درصد به مصرف گاز طبیعی و ۲۱ درصد به مصرف برق اختصاص یافته است.

تغییرات افزایشی قیمت بنزین بنا به بررسی جدول بالا موضوعی عبس و فاقد بهره‌برداری است و **مطلوب‌ترین روش تک‌نرخی کردن بنزین و کاهش قیمت این حامل انرژی به ۲۵۰۰ تومن است** که هم رضایت عموم را به همراه دارد و هم درآمد حاصل از این کار تقریباً ۶۰ درصد افزایش خواهد داشت و تبعات اجتماعی ایجاد نمی‌کند، حتی در قیمت‌ها متأثر از حامل‌های انرژی اثر کاهشی خواهد داشت، به شرط آن‌که قیمت حامل انرژی نفت و گاز تغییری نداشته باشد.



مزایا تک‌نرخی و کاهش قیمت بنزین

افزایش دستمزدها

اعمال سیاست حداقل دستمزد نیروی کار سالانه و مطابق با میزان تورم سال افزایش می‌یابد، این سیاست بدون در نظر گرفتن میزان بهره‌وری نیروی کار می‌تواند پیرو نظریه «مارپیچ قیمت - دستمزد» موجب رشد نرخ تورم شود.

مارپیچ قیمت - دستمزد:

یکی از تئوری‌های اقتصاد کلان است که بیان‌کننده رابطه، علت و معلول دستمزد و سطح عمومی قیمت‌ها یا تورم است. مارپیچ قیمت - دستمزد حاکی از این حقیقت است که در پی افزایش حقوق کارمندان، مبلغ مانده قابل هزینه آنها را افزایش داده و در نتیجه تقاضای اجناس افزایش می‌یابد. در پی افزایش تقاضا، قیمت اجناس افزایش یافته و در نتیجه شاهد تورم در جامعه خواهیم بود. از طرفی افزایش حقوق، باعث افزایش هزینه‌های تولیدی بوده و شرکت‌ها ناچار خواهند بود تا قیمت اجناس تولیدی خود را افزایش دهند.

سیاست تعیین حداقل دستمزد، به‌عنوان اقدامی در جهت حمایت از کارگران و تأمین سطح حداقلی معیشت برای آنها در اقتصاد متعارف مطرح گردیده است و موافقان و مخالفانی دارد.

کارفرما تا جایی دست به استخدام نیروی کار می‌زند که دستمزد حقیقی نیروی کار - همان نسبت W/P که در آن W دستمزد اسمی نیروی کار و P قیمت کالا است - با میزان بهره‌وری نیروی کار (MPL) برابر شود.

حال اگر دستمزد نیروی کار به میزانی بیشتر از رشد سطح بهره‌وری آن‌ها افزایش یابد، موجب آن خواهد شد که قیمت کالا نیز افزایش یابد. «مارپیچ قیمت - دستمزدی» یکی از سه عامل اصلی در «نظریه تورم ناشی از فشار هزینه» محسوب می‌شود. نوع واکنش به افزایش قیمت کالا پیرو افزایش حداقل دستمزد نیروی کار، بستگی به میزان کشش تقاضای کالای آن کارخانه است.

اعمال سیاست حداقل دستمزد موجب افزایش سطح متوسط استاندارد زندگی اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر می‌شود. همچنین، اعمال این سیاست موجب می‌گردد تا انگیزه نیروی کار افزایش یابد و از استثمار نیروی کار با تبانی کارفرمایان جلوگیری شود. با در نظر گرفتن برخی ملاحظات نیز می‌توان از برخی آسیب‌های اعمال این سیاست جلوگیری نمود.

دیوید کارد و الن کروگر اقتصاددان در مقاله «حداقل دستمزد و اشتغال» با بررسی ۴۱۰ فست‌فود در نیوجرسی و شرق پنسیلوانیا به بررسی آثار اعمال سیاست حداقل دستمزد می‌پردازند نشان می‌دهند که در کوتاه‌مدت هیچ‌گونه آثار مخربی از سوی اعمال سیاست حداقل دستمزد بر روی میزان اشتغال نیروی کار صورت نمی‌گیرد. مضاف بر این، مطالعات دیگری که توسط یاش مهرا در سال ۱۹۹۳ و الن ریسن در سال ۱۹۹۵ صورت می‌گیرد، نشان می‌دهد که رابطه علی میان تورم و حداقل دستمزد از سوی سطح عمومی قیمت‌ها به سمت حداقل دستمزد برقرار است. همچنین، مطالعه صورت گرفته از سوی نادر مهرگان و روح‌الله رضایی در سال ۱۳۸۴ بر روی بازه زمانی سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۸۴ نشان می‌دهد که در

ایران نیز رابطه علی میان تورم و حداقل دستمزد از سوی تورم به سمت حداقل دستمزد برقرار است و نه برعکس!

همچنین مقاله «ارتباط متقابل بین حداقل دستمزد و تورم در اقتصاد ایران» که توسط حسین عباسی‌نژاد، احمد تشکینی، تیمور رحمانی و هدیه ستایش صورت گرفته است، بیان می‌دارد که بر اساس داده‌های موجود از سال‌های ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۹، میان حداقل دستمزد و تورم در بلندمدت یک رابطه معنادار مثبت با ضریب همبستگی ۰.۲۴ دیده می‌شود. به عبارتی دیگر، با افزایش یک درصدی حداقل دستمزد ۰.۲۴ درصد تورم افزایش یافته است. این رابطه در کوتاه‌مدت نیز خبر از وجود یک رابطه ناچیز و به‌طور متوسط در حدود یک درصد می‌دهد.

بایستی خاطر نشان کرد که مقاله «ارتباط متقابل بین حداقل دستمزد و تورم در اقتصاد ایران» حاوی چند نکته بسیار مهم در خصوص مورد خاص ایران می‌باشد. اول آنکه داده‌های موجود از سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۶ نشان می‌دهد که رشد حداقل دستمزد در ایران از رشد بهره‌وری نیروی کار بیشتر بوده است. به عبارتی دیگر، رابطه حداقل دستمزد و بهره‌وری نیروی کار ایرانی در این بازه زمانی، ضعیف و غیرهم‌جهت بوده است و در نتیجه، لزوم آن می‌رود تا اعمال سیاست حداقل دستمزد در ایران با توجه بیشتر به بهره‌وری نیروی کار صورت گیرد. دوم آن که به‌صورت کلی سهم دستمزد از هزینه‌های تولید بخش صنعتی پس از هزینه مواد اولیه در مرتبه دوم قرار دارد؛ اما در بخش خدمات حرف اول را می‌زند. در نتیجه، آثار این سیاست در بخش

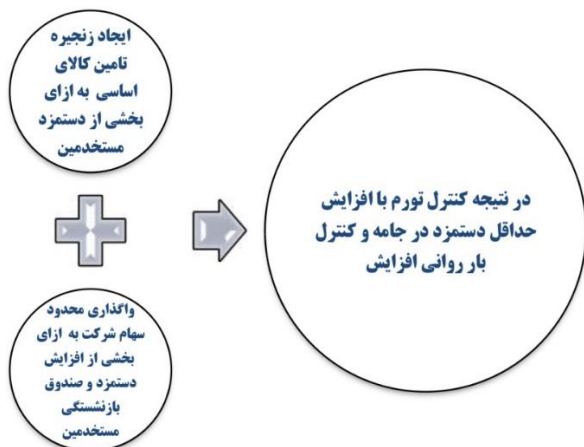
خدمات بیشتر از بخش صنعت می‌باشد. سوم آن‌که ایراد اصلی سیاست حداقل دستمزد در ایران به نوع «ملی» بودن آن بازمی‌گردد.

درواقع مطالعات صورت گرفته در این مقاله بر روی نحوه اعمال حداقل دستمزد در اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که برخی دولت‌های اروپایی برای جلوگیری از آثار نامطلوب این سیاست، تخفیف‌هایی را متناسب با گروه‌های سنی، گروه‌های شغلی و گروه‌های مختلف به لحاظ توانمندی اعمال می‌کنند. درواقع آن‌ها نیروی کار موجود در بازار را به صورت یک نهاد همگن در نظر نمی‌گیرند و یک سیاست واحد در برابر تمامی آن‌ها اعمال نمی‌کنند. به عنوان مثال در برخی از این کشورها تخفیف‌هایی برای گروه‌های سنی ۱۸ تا ۲۲ سال یا بازنشستگی که تمایل به ادامه کار دارند، اعمال می‌کنند تا این بخش از نیروی کار که همچنان مایل هستند با حقوق‌های پایین‌تر از حداقل دستمزد کار کنند، توسط کارفرمایان استخدام شوند و به‌خاطر این سیاست از بازار کار حذف نشوند.

همچنین در این کشورها تخفیف‌هایی نیز درخصوص اعمال این سیاست برای زندانیان، معلولان جسمی، کارآموزان و شاغلان با سابقه کار اندک اعمال می‌کنند تا در صورت تمایل به کار با دستمزد کمتر از حداقل دستمزد توسط کارفرما تعدیل نشوند یا کارفرما تمایل به استخدام آن‌ها را همچنان داشته باشد و آثار تبعیض‌آمیز این سیاست مرتفع گردد. از این روی در این مقاله نیز توصیه می‌شود تا اعمال سیاست حداقل دستمزد در ایران نیز خود را با توجه به گروه‌های سنی، گروه‌های شغلی و گروه‌های مختلف به لحاظ توانمندی منعطف سازد. همچنین، در ایران بایستی این

سیاست نه به صورت ملی که به صورت جغرافیایی و متناسب با هزینه‌های زندگی و نیازهای اقتصادی هر ناحیه جغرافیایی خود را متناسب سازد. در واقع تنها در این صورت است که آثار نامطلوب این سیاست در بازار کار و تبعیض‌هایی که با خود دارد، مرتفع می‌شود و فواید آن برای نیروی کار بیشتر از هزینه‌های آن خواهد بود و در عمل قابل دفاع خواهد شد.

پیشنهاد می‌شود با ایجاد زنجیره تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز نیروی کار توسط تولیدکنندگان که این نیروها را استخدام کرده‌اند، بخشی از دستمزد را به صورت کالای اساسی مستخدمین تأمین کنند، ضمن این که مستخدمین را در بخشی از سهام شرکت‌ها سهیم کنند، هم بهره‌وری کارخانه خود را افزایش داده و هم با افزایش حداقل دستمزد موجب ارتقا انگیزه مستخدمین شده و با افزایش تولید بهره‌وری در کارخانجات به طور فزاینده‌ای افزایش پیدا کند و موضوع تورم‌زایی دستمزدها دیگر مطرح نخواهد بود زیرا منابع مالی به صورت هدفمند بکارگیری شده است.



کنترل آثار تورمی با افزایش حداقل دستمزد شرکت‌ها

کنترل واردات

به منظور حمایت از تولیدات داخلی، واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند و یا کاهای لوکس به علت ارزبری مازاد ممنوع شده است.

حذف ارز دلار از تجارت‌ها و استفاده از ارز کشورهای همسایه

یکی از دلایل ایجاد بحران در اقتصاد کشور مساله وابستگی به دلار است و اصطلاحاً دلاریزه شدن اقتصاد، تبعات سنگینی برای کشور داشته و دارد، بنابراین حذف دلار از نظام بانکی و تجاری کشور مهم‌ترین گام در دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی است.

افزایش نرخ دلار و نوسان قیمت ارز در اقتصاد ایران به یک چالش جدی تبدیل شده است و همین مساله سبب رشد تورم و حرکت نقدینگی به سمت بازارهای مختلف جهت مقابله با کاهش ارزش دارایی ریالی شده است و همچنین تأثیر تحریم‌های آمریکا بر اقتصاد کشور را بیش از پیش افزایش داده است.

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌فرماید: «اگر مسئولان و مردم بتوانند اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی محقق و کشور را از جادوی مالی و پولی دشمن خلاص کنند و ارزش و آقایی دلار را در زندگی اقتصادی بشکنند، کشورهای دیگر را نیز نجات داده‌اند و برای آنها الگو خواهند شد» (۱۳۹۵/۶/۲۸)

حذف دلار از مبادلات تجاری کشور می‌تواند به بی‌نیاز شدن ایران از مجوزهای آمریکا در تبادلات اقتصادی جهانی، کم‌اثر و بی‌اثر شدن

تحریم‌های مالی، از بین رفتن اهرم فشار بر ایران در معادلات سیاسی، انتقال منابع حاصل از فروش نفت به داخل کشور، افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در تعاملات بین‌المللی و امکان مدیریت بهتر نرخ ارز کمک کند.

دولت سیزدهم در زمینه حذف دلار از اقتصاد کشور و مبادلات ارزی به سمت پیمان‌های دو یا چندجانبه (پیمان‌های منطقه‌ای مانند اکو، اتحادیه پایاپای آسیا، سازمان همکاری‌های اسلامی و اوراسیا) با سایر کشورها رفته است. عضویت در سازمان همکاری شانگهای، پیمان پولی روبل - ریال با کشور روسیه و سایر پیمان‌های پولی غیررسمی مانند یوآن - ریال با کشور چین که در دولت سیزدهم اجرایی شده است، می‌تواند بخش عمده‌ای از بحران‌های اقتصادی کشور در زمینه ارز را حل کند.

بدهی آمریکا به بیش از ۳۱ تریلیون دلار رسیده است و چین و ژاپن به بزرگ‌ترین طلبکاران این کشور تبدیل شده‌اند. در این میان با توجه به دلایلی که گفته شد برخی کشورها اقدام به حذف دلار از مبادلات تجاری خود کرده‌اند که می‌توان در بین آنها به کشورهای چین، روسیه، هند و ترکیه اشاره کرد.

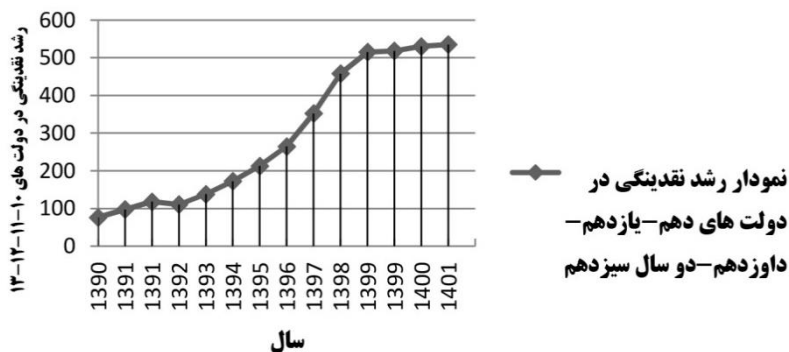
روسیه و چین معاملات با روبل روسیه و یوآن چین را در جهت اجرای موافقت‌نامه دوجانبه آغاز کردند و مبادلات تجارتی این دو کشور در سال ۲۰۱۹ به ۸۰ میلیارد دلار رسیده بود. به گفته پوتین این رقم طی سال‌های آینده از ۱۰۰ میلیارد دلار فراتر می‌رود. روسیه نه تنها دلار را در مبادلاتش با چین حذف کرده است، بلکه در مبادلات تجاری خود با ایران، ترکیه، اتحادیه اروپا و هند نیز از ارز ملی استفاده می‌کند.

روسیه پس از حذف شدن توسط ایالات متحده و متحدانش از شبکه ارتباطات مالی بین بانکی یا همان سوئیفت توانسته به راحتی نفت و گاز خود را به دیگر کشورها صادر کند و از این طریق درآمد سرشاری را نیز کسب کند که محصول حذف دلار از مبادلات خارجی بوده است.

توقف چاپ پول بدون پشتوانه

پایه پولی که به آن «پول پر قدرت» نیز گفته می شود در واقع همان پول های (سکه، اسکناس یا اعتبار) منتشر شده از سوی بانک مرکزی است؛ پولی که مستقیماً توسط بانک مرکزی به وجود می آید و شامل موارد ترازنامه بانک مرکزی می شود. به بیانی ساده، پول پر قدرت برابر است با جمع اسکناس و مسکوک به علاوه سپرده های بانکی نزد بانک مرکزی. در واقع پایه پولی، منبعی است که توسط بانک مرکزی منتشر شده و در چرخه اقتصاد در اختیار بانک های تجاری قرار می گیرد؛ به گونه ای که بانک ها می توانند با استفاده از این منابع و از طریق خلق پول بانکی به گسترش حجم پول پردازند.

میزان رشد پایه پولی در یک دهه گذشته بر اساس داده های بانک مرکزی به (همت)									
۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰
دولت دوازدهم	دولت دوازدهم	دولت دوازدهم	دولت یازدهم	دولت یازدهم	دولت یازدهم	دولت یازدهم	دولت دهم	دولت دهم	دولت دهم
۴۵۸	۳۵۲	۲۶۴,۵	۲۱۳	۱۷۲,۵	۱۳۸	۱۱۰,۵	۱۱۸	۹۷,۵	۷۶,۴
						۱۴۰۱	۱۴۰۰	شهریور ۱۳۹۹	مرداد ۱۳۹۹
						دولت سیزدهم	دولت سیزدهم	دولت سیزدهم	دولت دوازدهم
						۵۳۵	۵۳۰	۵۱۸	۵۱۵



بر اساس جدول فوق هرچند همچنان رشد و حجم پایه پولی بالاست، ولی آثار تغییر سیاست های اقتصادی دولت سیزدهم آشکار است. توقف استقرار از بانک مرکزی مهم ترین علت کاهش شتاب رشد پایه پولی به عنوان دلیل اصلی رشد نقدینگی و تورم محسوب می شود.

آنچه در دولت های ۱۰-۱۱-۱۲ موجب افزایش پایه پولی می شد، این بود که کسری بودجه را از طریق ذخایر بانک مرکزی و انتشار پول جبران می کردند. همچنین با توجه به این که نرخ بهره بین بانکی پایین بود، خلق پول برای سیستم بانکی هزینه ای نداشت و زمینه افزایش نقدینگی و پایه پولی را ایجاد کرد. البته مشکل افزایش پایه پولی تنها به این موارد ختم نمی شود. زمانی که سیستم خلق پول می کند از طریق عملیات وام گیری و اضافه برداشت از ذخایر بانک مرکزی بر اساس میزان نرخ بهره بین بانکی زمینه خلق پول و استقرار ایجاد می شد و تا زمانی که منافع این اقدام به هزینه های آن اولویت داشته باشد، ادامه می یافت اما آنچه سبب شده در دولت سیزدهم شتاب افزایش پایه پولی متوقف شود این است که دولت

برای تأمین کسری بودجه از منابع دیگر همچون فروش دارایی‌های دولتی یا از طریق دریافت درآمد ناشی از فروش نفت و همچنین ۶۰ هزار میلیارد تومان فروش دارایی‌های مالی استفاده کرده و شیوه‌هایی را که منجر به استقراض و در پی آن افزایش پایه پولی می‌شود، به کار نبرده است.

البته باید به دولت سیزدهم هشدار داد چراکه عموماً دولت‌ها در سه ماهه پایان سال که تمامی راه‌های جبران کسری را پیموده‌اند، به سراغ خلق پول می‌روند و دولت نیز باید مراقب مدیریت منابع در ماه‌های پایانی باشد. همچنین فراتر از سیاست‌گذاری اقتصادی دولت‌ها یک مسأله فراگیر در نظام بانکی کشور وجود دارد و آن ناترازی سیستم بانکی است که به دلیل عدم شفافیت و کنترل بانک مرکزی بر دارایی‌های غیرواقعی رخ می‌دهد و زمینه افزایش اعداد و ارقام و خلق پول و پایه پولی را ایجاد می‌کند که لازم است برای آن چاره‌اندیشی شود.

همچنین در دولت سیزدهم فرایند خلق پول و اضافه برداشت بانک‌ها از سیستم بانکی هزینه‌بردار است چراکه افزایش نرخ بهره بین‌بانکی افزایش یافته و خلق پول برای آنها توجیه اقتصادی ندارد و همین موضوع باعث شده دولت سیزدهم در زمینه کنترل رشد پایه پولی عملکرد خوبی داشته باشد.

افزایش منابع درآمدی به دولت غیر از منابع درآمد نفت

صادرات کشاورزی.

- زارعت چوب (سرتاسر دنیا).
- محصولات گلخانه‌ای هیدروپونیک (کشورهای اورآسیا).
- محصولات مرکبات (کشورهای اورآسیا).
- گیاهان دارویی (سرتاسر دنیا).

صادرات صنایه دستی.

جذب گردشگری.

بهبودسازی و راه‌اندازی معادن تعطیل شده.

صادرات خدمات مهندسی عمرانی (ترکیه، سوریه، عراق، کشورهای آمریکای لاتین).
افزایش کیفیت خودروسازی و صادرات (ترکیه، سوریه، عراق، کشورهای آمریکای لاتین).

صادرات محصولات کشاورزی

بررسی آمارهای تجارت خارجی ۶ عضو اتحادیه اورآسیا شامل بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، ارمنستان، روسیه و ایران نشان می‌دهد حجم واردات این کشورها در سال ۲۰۲۱ نزدیک به ۴۴۱ میلیارد دلار بوده است. از این مقدار، ۲۹۳ میلیارد دلار آن مربوط به واردات روسیه، ۵۳ میلیارد دلار مربوط به واردات ایران، ۴۲ میلیارد دلار مربوط به واردات بلاروس، ۶ میلیارد دلار مربوط به واردات قرقیزستان و ۰.۵ میلیارد دلار نیز مربوط به واردات ارمنستان بوده است.

سهم ایران از بازار اورآسیا کمتر از نیم درصد

بررسی‌ها نشان می‌دهد به‌رغم ظرفیت‌های بسیار بالایی که برای تجارت بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اورآسیا وجود دارد، با این حال بخش زیادی از این ظرفیت‌ها در حد توان نهفته شده باقی مانده است، به طوری که در سال گذشته مجموع صادرات ایران به کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اورآسیا یک میلیارد و ۱۱۶ میلیون دلار و در سال ۱۳۹۹ این مقدار یک میلیارد و ۴۳ میلیون دلار بوده است. با در نظر گرفتن رقم ۳۷۸ میلیارد دلار واردات ۵ کشور ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، در سال گذشته سهم ایران از این بازار فقط ۰.۳۱ درصد (کمتر از نیم درصد) بوده است.

زراعت چوب

زراعت چوب یکی از طرح‌هایی است که به تأمین نیاز چوبی کشور و حفاظت از پوشش محدود جنگلی به مرحله اجرا گذاشته شده که تاکنون در مناطق مستعد استقبال چندانی از آن نشده است.

زراعت چوب یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور برای حفاظت از جنگل‌ها و منابع طبیعی است که بر مبنای توسعه کشت درختان سریع‌الرشد و زودبازده مانند صنوبر و اکالیپتوس به مرحله اجرا درآمده است.

زراعت چوب طرح راهبردی توسعه پایدار زیست‌محیطی و به سبب محدودیت واردات چوب و اجرای طرح تنفس جنگل، انتخاب طرح زراعت چوب، بهترین مسیر برای تأمین نیازمندی‌ها است.

مسئله گران شدن نرخ ارز، زیاد شدن الوار و چوب‌های وارداتی سبب افزایش قیمت چوب‌های داخلی شده است و از طرفی به دلیل ممنوعیت برداشت چوب‌ها از جنگل‌های شمالی کشور موجب شده تا نسبت به گذشته استقبال از این طرح بیشتر شود.

از آن‌جا که افزایش و تنوع تولید فرآورده‌های چوبی، موجب افزایش مصرف چوب در کشور شده و با توجه به محدودیت‌های زیست‌محیطی و لزوم حفظ ذخایر جنگلی، باید نیاز کشور را از طریق دیگری تأمین کرد که آن زمان زراعت چوب، نسخه پیشنهاد شده بود.

استفاده بهینه از آب و خاک کشور و جلوگیری از تخریب و فرسایش این منابع، صرفه‌جویی ارزی با کاهش یا حذف واردات محصولات چوبی، کاستن از فشار بی‌رویه وارده به عرصه‌های جنگلی، توسعه فضای سبز کشور در حد استانداردهای جهانی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید به میزان ۱۷۵ میلیون نفر روز در هر سال تنها در بخش کاشت و برداشت صرف نظر از فعالیت‌های جنبی و صنایع مرتبط، از اهداف این طرح است. بر اساس برنامه ششم توسعه، از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ باید این طرح در ۷۵ هزار هکتار از اراضی ملی انجام شود ولی فقط در ۱۷ هزار هکتار یعنی بیست و چند درصد، اجرا و این در حالی است که استقبال مردم از کالای چوبی با چوب ایرانی بیشتر شده است.

محصولات گلخانه‌ای هیدروپونیک

آب کشت یا کشت هیدروپونیک در بین کشاورزان گلخانه‌ای به گلخانه هیدروپونیک نیز مشهور است. این روش یکی از روش‌های مدرن و خلاقانه برای تولید محصولات کشاورزی است که بدون نیاز به خاک، سم و با حداقل مصرف آب، محلول مواد مغذی را به گیاه می‌رساند. کشاورزی هیدروپونیک در ایران نیز میسر بوده و می‌توان بدون توجه به آب و هوا و اقلیم منطقه محصولات کشاورزی را کاشت و برداشت نمود. افزایش میزان رشد گیاهان، یکی از اصلی‌ترین مزایای کشاورزی هیدروپونیک می‌باشد. استفاده صحیح و علمی از این روش می‌تواند رشد

گیاهان گلخانه‌ای هیدروپونیک را تا ۲۵ درصد و میزان محصولات را تا ۳۰ درصد نسبت به روش سنتی کشت در خاک افزایش دهد. از دیگر مزایای کشت هیدروپونیک می‌توان به کاهش مصرف سموم اشاره کرد. بر طبق آمار، حدود ۹۵ درصد از صیفی‌جاتی که در کشورهای آمریکای شمالی وجود دارند، توسط کشاورزی هیدروپونیک تولید می‌شوند. می‌توان گفت این روش در بسیاری از کشورهای جهان، در حال توسعه می‌باشد. کشورهایی مانند ترکمنستان با سرعت زیادی دنبال‌کننده این روش می‌باشند. البته باید ذکر کرد که این کشت قابلیت آن را دارد که در فضای باز نیز به کار رود اما محدودیت‌هایی نیز وجود دارد.

معادن

ایران با داشتن ۶۸ نوع ماده معدنی، ۳۷ میلیارد تن ذخایر اثبات‌شده و بیش از ۵۷ میلیارد تن ذخایر نهفته به ارزش ۷۷۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ در میان ۱۵۰ کشور بزرگ غنی از مواد معدنی قرار دارد. استخراج مواد معدنی تنها ۰٫۶ درصد در تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور نقش دارد. موانع افزایش تولید معادن:

- عدم وجود زیرساخت‌های.

- موانع قانونی.

- مشکلات اکتشاف.

مهم‌ترین معادن ایران شامل زغال سنگ، مواد معدنی فلزی، شن و ماسه، مواد معدنی شیمیایی و نمک است. بیش‌ترین معادن فعال ایران در استان خراسان قرار دارند. دیگر ذخایر بزرگ ایران که عمدتاً توسعه نیافته‌اند عبارتند از:

- روی (بزرگ‌ترین ذخایر جهان).

- مس (نهمین ذخایر جهان در سال ۲۰۱۱، به گفته مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران).

- آهن (دوازدهمین جهان در سال ۲۰۱۳، بر اساس گزارش‌های سازمان زمین‌شناسی آمریکا).

- اورانیوم (دهمین ذخایر جهان).

- سرب (یازدهمین ذخایر جهان).

ایران با تقریباً ۱٪ از جمعیت جهان بیش از ۷٪ از کل ذخایر معدنی جهان را در اختیار دارد.

بر پایه برآوردها ایران رتبه نخست گاز طبیعی با ۱۰۳٪ گاز جهان و رتبه سوم نفت جهان با ۱۵۸،۰۷ میلیارد بشکه نفت شامل ۳،۵٪ نفت جهان که عمر آنها بیشتر از صد سال برآورد می‌شود، است. همچنین ایران ۷٪ معادن جهان را دارا می‌باشد. ارزش معادن ایران ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد شده‌است که در صورت سرمایه‌گذاری این عدد افزایش می‌یابد.

اکثر معادن ایران محوطه باز و در کلاس جهانی هستند. مانند معدن مس سرچشمه با ۱،۲ میلیارد تن با گرید ۰،۰۷٪، معدن روی انگوران با ذخیره باقی‌مانده ۹ میلیون تن با گرید ۳۵٪، معدن روی مراغه با ۱۶۰ میلیون تن

گرید ۲، معدن سنگ آهن سنگان با ذخیره ۱۰۲ میلیارد تن (رتبه نهم جهان) و معدن گل گهر سیرجان با ۱ میلیارد تن (رتبه دهم جهان). در سال ۲۰۰۵، از ۳۱۲۵ معدن فعال، ۲۷۴۷ معدن توسط بخش خصوصی و ۳۷۸ معدن توسط بخش دولتی اداره می شدند. در سال ۲۰۱۰ تعداد ۵۵۷۴ معدن در ۳۰ استان کشور در حال بهره برداری هستند (که فعال، غیرفعال یا در حال تجهیز می باشند).

ایران در منطقه‌ای واقع شده که کشورهای اطراف آن مانند ترکیه و عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس با توجه به آهنگ رشد و توسعه اقتصادی به منابع معدنی نیاز دارند و این درحالی است که این کشورها از نظر ذخایر معدنی بسیار فقیر هستند، حتی در صنایعی مانند فولاد سرمایه گذاری هم کرده‌اند اما مواد اولیه آنها وارداتی است؛ و ایران می تواند منبع خوبی برای تأمین نیازهای این کشورها که به سرعت در حال افزایش است، محسوب شود.

ایران با ۱۸ درصد منابع گاز و ۹ درصد منابع نفت در میان کشورهای معدنی دنیا، موقعیت منحصر به فردی برای تأمین انرژی فعالیت های معدنی به خصوص در فرآوری و فلزات دارد و قیمت انرژی در ایران با توجه به منابع عمده بعضاً تا ۵۰ درصد قیمت جهانی است و این موقعیت شرایطی را فراهم می کند که شرکت های بزرگ کل عملیات مرتبط با معدن را از استخراج، صنایع تولید فلزات به خصوص فولاد در ایران با قیمت تمام شده مناسب انجام دهند و به بازارهای نزدیک منطقه صادر کنند.

کشور ایران با توجه به پتانسیل معدنی بیش از ۷۰ سال قبل اولین کشوری بود که تدریس رشته معدن و زمین شناسی را در بین کشورهای منطقه آغاز کرد و در حال حاضر بیش از ۵۰ هزار نفر مهندس و تکنسین در رشته‌های معدن، متالورژی و کارشناس زمین شناسی تربیت کرده‌است. این خیل عظیم نیروهای متخصص کشورهای سرمایه‌گذار را از نظر نیروی انسانی بی‌نیاز می‌کند و این در حالی است که در سایر کشورهای منطقه چنین پتانسیلی وجود ندارد. ایران از نظر حجم ذخایر اکتشاف شده و نهفته، وجود زیربناهای مناسب، وجود بازار مناسب مصرف در ایران و کشورهای منطقه، قیمت مناسب انرژی، دسترسی به آب‌های آزاد و همچنین نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده بخش معدن، یکی از کشورهای بسیار شاخص جهت سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ معدنی شناخته می‌شود و در یک جمله ایران در آینده بهشت سرمایه‌گذاری معدنی شناخته خواهد شد.

بررسی کنترل تورم در کشورها

مسئولین حاکمیتی چند کشور برای مقابله با تورم و گرانی ۲ تا ۷۰ درصدی اقداماتی از جمله موارد زیر است:

۱- ارائه یارانه‌های مستقیم به مردم و شرکت‌ها.

۲- افزایش نظارت‌ها بر بازار.

۳- اعمال محدودیت‌های صادراتی.

۴- کاهش مالیات‌ها و تعرفه‌های واردات.

کشور	تورم به درصد	اقدامات
۱ آمریکا	۳۸	۱- ثابت نگه داشتن قیمت حامل‌های انرژی. ۲- جلوگیری از صادرات حامل انرژی با اولویت مصرف داخل. ۳- یارانه بلاعوض به شرکت‌های غذایی. ۴- افزایش ساعات کار بنادر و تسریع در ترخیص کالاهای وارداتی. ۵- سازماندهی توزیع غلات. ۶- افزایش مالیات ثروتمندان.

<p>۱- اقدامات تامین مسکن ارزان قیمت. ۲- معافیت مالیاتی برای جوانان تا بتوانند مسکن اجاره کنند.</p>	۸.۶	کانادا	۲
<p>۱- کاهش مالیات بر گازوئیل و اتانول. ۲- یارانه نقدی و غیرنقدی برای خانواده‌های متوسط.</p>	۲.۱۲	برزیل	۳
<p>۱- کنترل بخش بیمه.</p>	۵۸	آرژانتین	۴
<p>۱- اقدامات حمایتی از شرکت‌های کوچک. ۲- افزایش واردات مواد اولیه. ۳- به صفر رساندن تعرفه وارداتی مواد اولیه. ۴- افزایش نظارت و بازرسی از بازار.</p>	۱.۲	چین	۵
<p>۱- مذاکره با شرکت‌ها جهت ثابت نگه داشتن محصولات غذایی. ۲- کاهش تعرفه شرکت‌های تولید غذایی. ۳- کاهش هزینه بیمه‌ای شرکت‌ها. ۴- سیاست تشویقی کشاورزان جهت تولید بیشتر.</p>	۶۸.۷	مکزیک	۶
<p>۱- کاهش مالیات بر حامل‌های انرژی. ۲- اعمال محدودیت در صادرات گندم. ۳- کاهش تعرفه واردات روغن‌ها. ۴- حذف برخی از محدودیت‌های وارداتی. ۵- اختصاص یارانه کابی گندم یا برنج. ۶- توزیع بسته غذایی بین فقرا.</p>	۷۹.۷	هند	۷
<p>۱- افزایش یارانه حامل‌های انرژی. ۲- بسته‌های حمایتی تولیدکننده و مصرف‌کننده. ۳- کمک مالی به خانواده‌های کم درآمد.</p>	۱.۲	ژاپن	۸

<p>۱- اعمال محدودیت صادرات روغن پالم. ۲- ثابت نگه داشتن قیمت حامل های انرژی. ۳- یارانه به شرکت های.</p>	<p>۴۷.۳</p>	<p>اندونزی</p>	<p>۹</p>
<p>۱- کاهش مالیات بر حامل های انرژی. ۲- یارانه نقدی به افراد کم درآمد. ۳- یارانه جبرانی مالیات.</p>	<p>۱.۵</p>	<p>استرالیا</p>	<p>۱۰</p>
<p>۱- خودداری دولت از افزایش هزینه های دولتی.</p>	<p>۲</p>	<p>عربستان</p>	<p>۱۱</p>
<p>۱- افزایش بازرسی از خرده فروشان. ۲- ارائه یارانه و وام کم بهره به شرکت های تولیدی کوچک. ۳- اقدامات رسانه ای و القا توطئه.</p>	<p>۷۰</p>	<p>ترکیه</p>	<p>۱۲</p>
<p>۱- ثبات بخشی به ارزش روبل توسط بانک مرکزی. ۲- مذاکره با تولیدکنندگان جهت ثابت نگه داشتن قیمت مواد غذایی و فولادی.</p>	<p>۷.۱۶</p>	<p>روسیه</p>	<p>۱۳</p>
<p>۱- کاهش مالیات بر حامل های انرژی. ۲- افزایش سقف معافیت مالیاتی کارگران. ۳- یارانه به خانواده های کم درآمد.</p>	<p>۱.۹</p>	<p>انگلیس</p>	<p>۱۴</p>
<p>۱- ارائه بسته حمایتی جبران افزایش حامل های انرژی. ۲- کاهش قیمت بلیت حمل و نقل عمومی. ۳- یارانه نقدی به خانواده های. ۴- تخفیف مالیاتی</p>	<p>۴.۷</p>	<p>آلمان</p>	<p>۱۵</p>

۱- یارانه حمایت از افراد شاغل کم درآمد.	۲.۶	ایتالیا	۱۶
۱- یارانه به شرکت های انرژی بر. ۲- افزایش تسهیلات و وام ورشکستگی. ۳- ارائه یارانه به خانواده ها. ۴- جبران هزینه سوخت ماهی گیران. ۵- سرکوب قیمت حامل های انرژی.	۴.۵	فرانسه	۱۷

ضمیمه:

۱- دستورالعمل حمایت از تولید و حفظ و ایجاد اشتغال

۲- بودجه ۱۴۰۲؟

شماره: ۱۲۵۵۲۲ / ۵۵۹۸۱۵

تاریخ: ۱۳۸۷.۰۸.۰۴



وزارت کشور - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی - وزارت صنعت، معدن و تجارت
وزارت جهادکشاورزی - سازمان تأمین اجتماعی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

هیئت وزیران در جلسه ۱۴۰۱/۱۶/۲۷ به پیشنهاد معاونت اقتصادی رییس جمهور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشوق‌های حمایت از تولید و حفظ و ایجاد اشتغال را به شرح زیر تصویب کرد:

مشوق‌های حمایت از تولید و حفظ و ایجاد اشتغال

ماده ۱- به منظور حمایت از تولید و اشتغال برای بنگاه‌های کوچک و متوسط موضوع بند (۲) تصویبنامه شماره ۱۸۵۴۹/ت/۵۳۰۹۷ - مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۹ که علاوه بر حفظ سطح اشتغال فعلی اقدام به اشتغال جدید می‌نمایند و اطلاعات مربوط به حفظ اشتغال و افزایش سطح آن با تأیید کارگروه‌های تسهیل و رفع موانع تولید استثنایی و اطلاعات بیمه‌های سازمان تأمین اجتماعی از طریق سامانه‌های موجود مطابق دستورالعمل مصوب مشترک وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت صنعت، معدن و تجارت در اختیار دستگاه‌های اجرایی موضوع این تصویبنامه قرار می‌دهند، مشوق‌های زیر در حوزه‌های مرتبط ارائه می‌گردد:

۱- حوزه بیمه:

الف- کارفرمایان واحدهای تولیدی، صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدماتی و اصناف و شرکتهای دانش‌بنیان که حداقل به مدت یک سال از زمان تقسیط بدهی نسبت به حفظ یا افزایش اشتغال نیروی انسانی کارگاه خود بر مبنای فهرست اسفند ماه سال ۱۴۰۰ اقدام نموده و لیست حق بیمه کارکنان شاغل را در طول دوره تقسیط ارسال و پرداخت نمایند، در صورت عدم استفاده از بخشودگی جرائم در طول دوره گذشته می‌توانند از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این تصویبنامه و حداکثر ظرف چهار ماه نسبت به درخواست تعیین تکلیف بدهی‌های قطعی شده مطابق قوانین، از بخشودگی جرائم متعلقه برخوردار شوند. در مواردی که کارفرمایان کارگاه‌های مذکور تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن این تصویبنامه بر مبنای فهرست اسفند ماه سال

۵۹۸۱۵/۱۲۵۵۲۲

شماره
تاریخ: ۱۴۰۱.۰۷.۱۷

تصویب نامه هیئت وزیران

۱۴۰۰ نسبت به تعدیل نیروی انسانی خود اقدام نمودند، پس از بازگشت نیروی کار تعدیل شده و با جایگزینی آنها و رعایت حفظ و اشتغال حداقل به مدت یکسال از زمان تقسیط و بر مبنای فهرست اسفند ماه سال ۱۴۰۰ از بخشودگی جرائم متعلقه برخوردار می‌شوند.

ب- سازمان تأمین اجتماعی با رعایت قوانین و مقررات نسبت به تقسیط حق بیمه سهم کارفرمایان خصوصی و تعاونی تا سقف بیست هزار میلیارد (۲۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال در سال ۱۴۰۱ اقدام می‌نماید.

۲- حوزه بانکی

- بانکها و مؤسسات اعتباری با توجه به مصوبه شورای پول و اعتبار نسبت به بخشش جرایم دیرکرد تسهیلات بانکی و امهال تسهیلات بانکی مربوط به بخش تولید اقدام می‌نمایند.

۳- حوزه مالیاتی

الف- جرائم مالیاتی مربوط به عملکرد سال ۱۴۰۰ کارفرمایان حقیقی و حقوقی دارای پروانه بهره‌برداری از وزارتخانه‌های ذیربط در فعالیت‌های تولیدی مشروط به افزایش تولید در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ و داشتن حداکثر (۱۰۰) نفر نیروی کار تا پایان سال ۱۴۰۰ و پرداخت اصل بدهی براساس برنامه توافقی با سازمان امور مالیاتی کشور، در چارچوب مواد (۱۶۷) و (۱۹۱) قانون مالیات‌های مستقیم - مصوب ۱۳۶۶- و اصلاحات بعدی آن بخشوده می‌شود. دستورالعمل اجرایی این بند با پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت و با تأیید سازمان امور مالیاتی کشور ابلاغ خواهد شد.

ب- کارفرمایان حقیقی و حقوقی دارای پروانه بهره‌برداری از وزارتخانه‌های ذیربط در فعالیت‌های تولیدی به شرط حفظ نیروی کار موجود در پایان سال ۱۴۰۰ و تداوم آن تا پایان سال ۱۴۰۱ می‌توانند درخواست تقسیط بدهی قطعی مالیاتی خود مربوط به سال ۱۴۰۰ را به سازمان امور مالیاتی کشور ارائه نمایند و سازمان مذکور ضمن استعلام از سازمان تأمین اجتماعی در خصوص احراز شرط فوق، با رعایت ماده (۱۶۷) قانون مالیات‌های مستقیم - مصوب ۱۳۶۶- و اصلاحات بعدی آن نسبت به تقسیط بدهی قطعی مالیاتی حداکثر تا (۳۶) قسط براساس توافق صورت‌گرفته اقدام می‌نماید و در صورت عدم پرداخت به موقع هر یک از اقساط یاد شده طبق توافق صورت گرفته از سوی کارفرما، مابقی اقساط به دین حال تبدیل و یکجا پرداخت می‌شود.

۹۸۱۵/ت ۱۲۵۵۲۲

شماره
تاریخ: ۱۳۸۷.۱۲.۱۴



۴- حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای

- سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور مجاز است با رعایت قوانین و مقررات مربوط فضاهای آموزشی خود (به ازای هر ده نفر نیروی موجود، ده مترمربع و به ازای هر یک نفر نیروی جدید، دو مترمربع) را در جهت کمک به تحقیق و توسعه در اختیار کارفرمایان حقیقی و حقوقی به شرط حفظ نیروی کار موجود، قرار دهد.

تبصره - در صورت کاهش رقم اشتغال متقاضی در پایان سال ۱۴۰۱ نسبت به رقم اشتغال در پایان سال ۱۴۰۰، کلیه مشوق‌های موضوع این ماده کأن لم یکن تلقی خواهد شد.

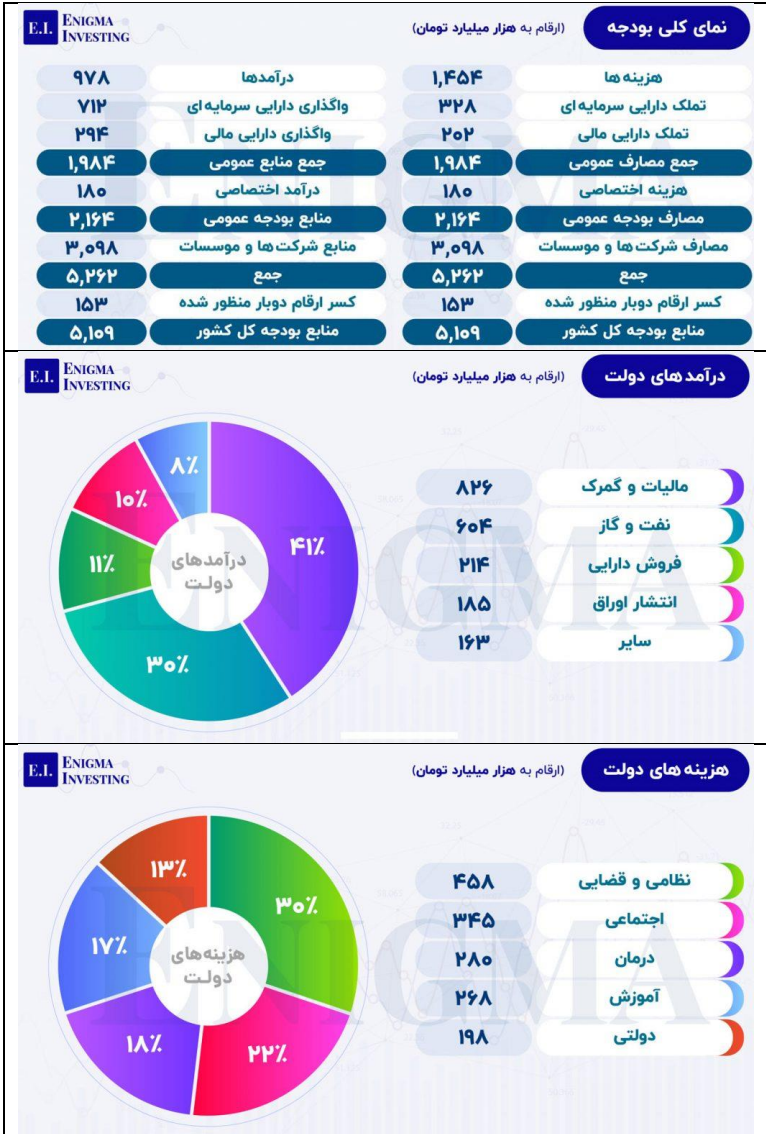
ماده ۲ - در راستای تسهیل تامین مواد اولیه واحدهای تولیدی، افزایش صادرات و کاهش هزینه‌های پشتیبانی (لجستیکی)، امکان ورود موقت برای شرکت‌های تعیین شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت یا وزارت جهادکشاورزی حسب مورد (بر اساس رتبه‌بندی و اعتبارسنجی) با تعریف مقررات پسینی، تسهیل و تسریع می‌گردد. شرکت‌های مذکور موظفند به صورت دوره‌ای نسبت به تسویه تعهدات خود متناسب با رتبه و اعتبار اقدام نمایند.

ماده ۳- واحدهای تولیدی هزینه حقوق ورودی مربوط به مواد اولیه و واسطه‌ای، اجزا و قطعات، تجهیزات و ماشین‌آلات خود را با ارائه ضمانت و در طول سال پرداخت می‌نمایند.

ماده ۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در جهت حمایت از تولید اقدام لازم به منظور تغییر تضمین نقدی سی و پنج درصد (۳۵٪) ضمانت بانکی برای واردات مواد اولیه، اجزا و قطعات و ماشین‌آلات را به عمل می‌آورد.

محمد مخبر
معاون اول رئیس جمهور

رونوشت به دفتر مقام معظم رهبری، دفتر رئیس جمهور، دفتر رئیس قوه قضاییه، دفتر معاون اول رئیس جمهور، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیرخانه ستاد کل نیروهای مسلح، معاونت حقوقی رئیس جمهور، معاونت امور مجلس رئیس جمهور، معاونت اجرایی رئیس جمهور، دیوان محاسبات کشور، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی، امور تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت و دفتر هیئت دولت ابلاغ می‌شود.



منابع

- خصوصی سازی، مفاهیم و کارکردها، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، مهرماه ۱۳۷۶.
- بررسی پیشینه اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های کلی آن، عزیزخوانی فاطمه، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵
- تجربه خصوصی سازی در برخی کشورها، فاطمه عزیزخوانی، مریم نظری علی آبادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس؛ میدری، اردیبهشت ۱۳۸۷.
- خصوصی سازی، تجربه لهستان، برگردان: محسن رنانی، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، اردیبهشت ۱۳۷۸
- بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.
- آسیب‌شناسی خصوصی سازی در ایران، داودخانی؛ خرداد ماه ۱۳۹۳.
- آسیب‌شناسی فرآیند خصوصی سازی در ایران، عبدالله‌زاده، حسن، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳.
- بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۹۸/۱/۱.

- ارزیابی فرآیند خصوصی سازی در راستای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، محمدحسین کریم و همکاران، فصل نامه سیاست های راهبردی و کلان، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۹۴.
- بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.
- اهم الزامات اجرای سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی، عزیزخوانی، فاطمه، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵ اصل ۴۴.
- ضیاءالدین موسوی جراحی (تارنمای پایگاه خبری صنایع نیوز).
- تارنمای سازمان امور مالیاتی کشور.
- تارنمای مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- تارنمای بانک جهانی.
- <http://www.KHAMENEI.ir>
- <http://www.iribnews.ir/009oiT>